

# پیروزیهای شگرف اقتصادی پنجاه سال سازندگی انقلاب اکتبر

و حارس سایر عناصر متشکل روبناست. شرایط لازم را برای دگرگونی انقلابی در سراسر روبنا وزیر بنای اجتماعی فراهم ساخت. برای تحقق این دگرگونی پیش از همه میبایست به مسئله مرکزی در مناسبات تولیدی یعنی حل مسئله مالکیت پرداخت. این مسئله خطیر نیز با ملی کردن زمین و منابع آب، مصادره وسائل تولید در مؤسسات تولیدی و بازگشتی بزرگ و متوسط و نیز یادآوری کردن مؤسسات مالی در هفت ماههای اول انقلاب بطور عمده انجام پذیرفت.

طبقه و برقرار ساختن حاکمیت طبقه دیگر هدف نهایی نبود. انقلاب اکتبر میبایست سرآغاز تحول بنیادی در مجموعه مناسبات اجتماعی و پیش از همه مناسبات تولیدی باشد و در شرایط نیروهای مولده رشد یافته اجتماع برای نخستین بار مناسبات عادلانه در امر تولید و توزیع و در تمام شئون مادی و معنوی جامعه برقرار سازد. در هم شکستن دستگاه دولتی کهنه، این بنش فعال روبنای اجتماعی که با اعمال قهر نظامی و ایجاد قیود الزام آور بوروکراتیک حافظ زیر بنای کهنه

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر با پایان دادن به حاکمیت سیاسی بهره کشان و در هم کوفتن دستگاه دولتی آنان، پایانبندیکماتوری اقلیت و آغاز دموکراسی را برای اکثریت جامعه اعلام داشت. در این انقلاب، برخلاف انقلابهای گذشته پایان دادن به حاکمیت یک

# ماهنامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت بحران خاور میانه

عظیم نفت خاور میانه را بیدریغ و بلامانع غارت کنند و سیطره اسارت بار خویش را در این ناحیه از جهان تحکیم نمایند. غیرنرم پیروزی نظامی ارتش اسرائیل باید گفت امپریالیستها و مرتجعین صهیونی اسرائیل بهدف خود نرسیدند و جمهوری متحده عرب و سوریه در مواضع ضد امپریالیستی خود استوار ایستاده اند.

بهرانی که در خاور میانه پدید شد و منجر به تجاوز اسرائیل به جمهوری متحده عرب، جمهوری سوریه و کشور پادشاهی اردن و تلفات و خسارات فراوان خلفهای برادر عرب گردیده نمره تحریکات طولانی امپریالیستها و ویژه امپریالیستهای امریکا و انگلیس و آلمان غربی در این ناحیه است که در درجه اول خواستار آن بوده و هستند که بدستگیری مراتجیرت صهیونی اسرائیل، حکومت های ضد امپریالیستی را در جمهوری متحده عرب و سوریه ساقط سازند و منابع

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره انتخابات سگانه مجلس شورا، سنا و موسسان

« کارتهای انتخاباتی » (کارت الکترا) تصویب شده است، انتخابات در سراسر کشور در عرض یکروز بر اساس کارتهای انتخاباتی برگزار خواهد گردید. انتخابات با اصطلاح « حزبی » خواهد بود، دو حزب دولتی و ششاخته « ایران نوین » و « مردم » هم اکنون منفردین بقیه در صفحه ۲

روز ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۴۶ فرمان شاه برای انجام انتخابات دوره ۲۲ مجلس شورا، دوره پنجم مجلس سنا و « مجلس مؤسسان » که باید اصول ۳۸ و ۴۱ و ۴۳ قانون اساسی را تغییر دهد و اختیار تعیین نایب السلطنه را از مجلس سلب و شاه منتقل سازد صادر گردید. بنا بر توضیح انضاری وزیر کشور، انتخابات سگانه روز جمعه ۱۳ مرداد دز سراسر کشور انجام خواهد گرفت و بر حسب تغییری که متناسبت با جمعیت در تعداد و کلا داده شد ظاهر آ ۲۱۹ و کیل مجلس ۲۷۹ نماینده مجلس مؤسسان و ۳۰ تن سناتور « انتخاب » خواهند گردید. موافق تغییراتی که در ۱۹ بهمن ۱۳۴۱ در قانون انتخابات وارد گردیده و نیز طبق آیین نامه ۳۰ ماده ای که چندماه پیش در مورد

# جنگال علیه حزب توده ایران

شماره سه شنبه ۱۹ اردیبهشت ماه مقاله ای مرقوم داشت تحت عنوان « ریشه جعل چک در کجاست » و فلسوفانه این ریشه را در تعالیم حزب ما جستجو کرد و نوشت: « هر جنایتی که کشف میشود بای پرورش یافته گان حزب توده ایران بیان میاید » سپس روزنامه آژنگ به صحنه آمد و تحت عنوان « باند جاعلین از کدام مکتب الهام گرفته اند » مدعی شد که جاعلین اصلی از « افراد سابقه دار حزب

بجساب حزب ما بگذارند و چنین گفت: « در اینجا (یعنی در حزب توده ایران) مقدس وجود ندارد. راهزنی، دزدی، جعل، جنایت، آدم کشی و همه رذایل توجیه میشود » که باید گفت رئیس شهرانی رژیم راهزنان بزرگ اجتماعی واقعا هم حق دارد در باره سازمان زحمتکشان زنجیر دیده ایران با همین لحن سخن پراکنی کند! بدینال درفشانی آقای رئیس شهرانی نوبت به جرائد دولتی میرسد. آقای مسعودی قلم رنجه فرمود و در اطلاعات

روزنامه های دولتی در هفته های اخیر از اخبار و مقالات جنگالی و بعد اعلی دشنام آمیز علیه حزب توده ایران سرشار بود. کیهان و اطلاعات و جراید دیگر اخبار مفصلی درباره کشف مطبعه حزب بخش کردند. سپهبد مهجر رئیس شهرانی در مصاحبه مطبوعاتی ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۶ خود کشف ۱۲ تن جاعلین چک را بهانه قرار داده و با دغای آنکه سه تن از این افراد در سابق عضو حزب توده ایران بوده اند کوشید تا تمام این جریان را

## سفری که برای شاه و محافل حاکمه آلمان غربی رسوائی بیار آورد

از ۶ تا ۱۴ خرداد ماه (۲۷ مه تا ۴ ژوئن) شاه در آلمان غربی بود. این سفر از چند نظر بیسابقه بود و نتایج بیار آورد که میتواند هم برای شاه، هم برای محافل امپریالیستی پشتیبان شاه و هم برای مردم ایران عبرت آموز باشد.

### شاه در حصار پلیس

اینکه شاه در داخل ایران در حصار از سر نیزه زندگی میکنند مطلب تازه ای نیست. ولی اینکه شاه و محافل امپریالیستی پشتیبان او مجبور شده اند این حصار پلیسی را، آنها هم بشکلی که در آلمان غربی رخ داده در خارج هم بوجود آورند تازه و بیسابقه است.

از مدتی پیش گروهی از چاقو کشان و مأموران سازمان امنیت مستقیماً از ایران به آلمان غربی آمده بودند تا نه فقط در حفظ

امنیت شاه با پلیس آلمان غربی همکاری کنند، بلکه بعنوان « دانشجویان هوادار شاه » تظاهر کنند. از جانب دیگر مأموران سازمان امنیت و « هواداران شاه » در آلمان غربی هم توسط سازمان امنیت و سفارت ایران تجهیز شدند و برای اجرای هر دو وظیفه خود به « نیروی وارده از ایران » پیوستند. ولی البته این تدارکات امنیتی برای حفظ « شاه محبوب » کافی نبود.

پلیس آلمان غربی وظیفه اصلی را بر عهده داشت. سی هزار نفر پلیس و کارآگاه مخفی برای « حفظ شاه » تجهیز شدند. در هر شهری که شاه رفت و از هر نقطه ای که بازدید کرد همیشه چندین هزار پلیس همراه او بودند. این پلیس ها راه عبور و مرور وسائط نقلیه را قطع میکردند، تمام منطقه ای را که شاه در آنجا بود « قرق » میکردند و بقیه در صفحه ۶

تفسیر ما را درباره تجاوز اسرائیل به کشورهای غربی در صفحات ۴ و ۵ مطالعه فرمائید.



بنو او نه زورگ، دانشجوی ۲۶ ساله آلمانی که در جریان تظاهرات دانشجویان هنگام سفر شاه به آلمان غربی به قتل رسید.

بنو! فرزندان در پائیز بیدیدارت میشتافت ولی تو در بهار از جهان بیرون رفتی. قتلگاه تو گوشه ای محقر از یک خیابان عادی است. لکه خون ترا اکنون توده گلهای پوشانده اند. سرنوشتی غریب در انتظار تو بود: در گام مهمانان شوم قربانی شدن!

بنو! نام کوچک تو را هرگز خلق من فراموش نخواهد کرد زیرا این نام روح جوانی است که بیدیدار شهیدان ما پرواز کرده است. آنها نیز قربانیان این گام شومند و چه کسی می انگاشت که اهریمن « ۲۸ مرداد » تا بران چنگ خواهد بازید و در آنجا نیز عطش خونخواری خود را فرو خواهد نشاند.

بنو! ما در برابر همسر تو و کودکی که وی در انتظار آنست سر خود را با اندوه و احترام فرو میآوریم. فرشته آزادی در کشور ما این فدیة گرانهای مردم آلمان را با شکوه میبذیرد و آنرا در زرفای قلب، در بارگاه تاریخ خود جای میدهد. ا. س.

بقیه از صفحه ۱

### اعلامیه در باره انتخابات سگانه

مجلس سراسر این فرا کسیونهای خود تقسیم کرده اند. گفته میشود که هر یک از این دو حزب قریب هزار نامزد انتخاباتی برای مجالس سگانه معین خواهند کرد. احزاب شهساخته این روزها سخت سرگرم تقلا و تدارک انتخابات مصنوعی هستند. آنها بکمک دربار و سازمان امنیت لیست کاندیداتور را ترتیب میدهند. از پیش معلوم است که چه کسانی باید کرسیهای مطلوب را اشغال کنند. بقیه امور صحنه سازی مضحکي بیش نیست. ایران در تمام دوران چهل ساله سلطه خاندان پهلوی از انتخابات آزاد محروم بوده است و ماهیت اصلی جریان کنونی نیز مانند همیشه است. منتها این بار رژیم با دعاوی پرطنینی بیدان آمده است و انتخابات حزب، کارت الکترا، سرعت انجام رأی گیری، شرکت نمایندگان کارگر و دهقان در انجمن نظار را برخ میکشد و مدعی است که دارد ایران را برای دموکراسی آماده میکند!

در مورد کارت الکترا و انتخابات یکروزه در سراسر کشور، نباید گفت اینها مطالب فنی است که بخودی خود دارای هیچگونه اهمیت اصولی نیست. مطلب اصلی بر سر آزادی انتخابات است که آنها وجود خارجی ندارد. کارت و سرعت رأی گیری دردی را از مردم دوا نخواهد کرد و فقط کار سازمان امنیت را برای متشکل کردن صحنه سازهایش تسهیل خواهد نمود و بازی را با تضمین بیشتری بسود کارگردان اصلی یعنی شاه خاتمه خواهد داد. در مورد شرکت نمایندگان کارگر و دهقان در انجمن نظارت باید گفت این سخن صاف و ساده دروغ است. آنکسانی که بعنوان کارگر و دهقان در انجمنهای نظارت شرکت میکنند مأمورین سازمان امنیت در جامه کارگری و دهقانی و یا افزای های بی اراده در دست این سازمانند.

در مورد حزبی بودن انتخابات نیز باید گفت این نیز دروغ بزرگی است. احزاب واقعی را مردم در جریان مبارزات اجتماعی پدید میآورند. در ایران احزاب واقعی، حزب توده ایران، جبهه ملی ایران و غیره مورد تعقیب و وحشیانه، آزار و شکنجه و طرد و نفی هستند. در ایران اپوزسیون واقعی حق حیات ندارد. رژیم کوچکترین مخالفت جدی و اصولی با خود را تحمل نمیکند. با اصطلاح احزاب موجود تهادسته بندیهای مطیع درباری هستند لیدرهای این احزاب مانند آقایان هویدا و خسروانی و علم و عدل وابستگان و سرسپردگان خاصه و خاشع دربارند.

برنامه های این احزاب اجراء منویات ملوکانه است. بازی اکثریت و اقلیت این احزاب بقدری مضحک است که جرئت کشور آرا بارها سوزن کاریکاتورهای خود درآورد داده اند. شرایط اساسی انتخابات آزاد عبارتست از اجراء اصول قانون اساسی یعنی تأمین آزادی احزاب، اجتماعات، مطبوعات و استفاده آزادانه آنها از وسائل تبلیغاتی (جرئت، رادیو، تلویزیون و غیره)، تأمین آزادی فعالیت

سندیکاها و سازمانهای صنفی در شهر و ده، تأمین نظارت مؤثر مردم و گروههای انتخاباتی بر سر انتخابات، دادن حق رأی بهمه ایرانیانی که بسن رشد رسیده باشند اعم از زن و مرد، لشکری و کشوری، ایرانیان خارج و داخل کشور، تقسیم کرسیهای نمایندگی به نسبت آراء احزاب و جمعیت هائی که در انتخابات شرکت جسته اند.

از اجراء این شرایط و اصول مسلم در ایران کوچکترین خبری نیست. حتی مطالبه این حقوق و دفاع از این اصول یعنی قبول خطر زندان و شکنجه و مرگ.

شاه میگوید ایران برای دموکراسی رشد نیافته و گویا دموکراسی زمانی که فقط ۱۰ درصد مردم ایران بیسواد باشند در ایران تحقق پذیر است. این یک سفسطه و یک توهین عظیم ب مردم ایران است. مردم ایران قبل از جنگ جهانی اول نخستین ملت آسیائی بودند که یکی از پرمتضمون ترین و وسیع ترین انقلابات دموکراتیک دست زدند. مردم ایران پس از جنگ دوم جهانی یکی از نخستین ملت های کم رشد بودند که برای دفاع از

استقلال سیاسی و اقتصادی خود به نبردی پر شور پرداختند. رشد اجتماعی و سیاسی یک ملت را با درصد باسواد و بیسواد نمیتوان سنجید. ایران مدتهاست که برای دموکراسی رشد یافته است. دموکراسی نیاز اساسی ترقی و تکامل آتی سالم و نیرومند جامعه ماست.

مردم ایران از هم اکنون مجموع اقدامات و تدارکات رژیم در مورد انتخابات و از آنجمله انتخابات مجلس مؤسسان را از بیخ و بن غیر موجه و غیر قانونی میدانند. متورکز کردن سه انتخابات در یکروز برخصلت اختناق آمیز جریان انتخابات در ایران باز هم میافزاید و ثمره آن تنها از آن کارگردانان این صحنه سازی مضحک است.

حزب ما و همه سازمانها و نیروهای دموکراتیک ملی باید به سازمانهای بین المللی مانند سازمان ملل متفق، به انجمن جهانی حقوق بشر، سازمان جهانی حقوقدانان دمکرات، بفرانسویون سندیکای جهانی، سازمان جهانی زنان دموکرات، به سازمان بین المللی دانشجویان، سازمان جهانی جوانان دمکرات، به انجمن روزنامه نگاران دموکرات، بهمه احزاب و دیگر سازمانها و مطبوعات انقلابی و دموکراتیک جهان خطاب کنند و بگویند: مردم خیر اندیش و آزادیخواه جهان در کشور ایران خبری از آزادی نیست و فضائل و حقوق بشری با مال میشود. صحنه سازی انتخاباتی فاقد اعتبار است. مردم ایران عملاً حق رأی ندارند. بانگ واقعی آنها از وراء سرپوش آهنگین رژیم ترسور و اختناق شنیده نمیشود.

ب مردم ایران یاری دهید. نقاب تزویر و سالیوس شاه و صداحان و حاکمان امپریالیستی وی را که میخواهند ایران را دارای یک حکومت پارلمانی و لیبرال جلوه گر سازند بردارند! یاری مردم کشوری بشتانید که ۶۰ سال پیش برای یارلمان واقعی جانفشانی کرده اند و حتی امروز با اسالیب استبداد قرون و سغائی روبرو هستند.

ما بدینوسیله بهمه احزاب و سازمانهای

بقیه از صفحه ۸

### در باره احزاب سلطنتی

شاه ملتی را که بیش از پنجاه سال سابقه مبارزه برای دموکراسی داشت متهم نمود که هنوز برای پذیرش دموکراسی سیاسی آماده نیست و در نتیجه «سیاست دموکراسی ارشادی» را برای مردم تجویز کرد و خود رأساً به تأسیس حزب اقدام نمود. نخستین مولود «سیاست دموکراسی ارشادی» احزاب توأمان «ملیون» و «مردم» بودند که یکی بنام اکثریت و دیگری بنام اقلیت پا بر عرصه گذاردند. «هنر بزرگ» این دو حزب مسابقه در عرصه تعلق گویی از شاه بود. اما از آنجا که احزاب بی ریشه دوام ندارند این دو حزب نیز با طلوع قدرت دکتر امینی و ضعف نسبی شاه از هم پاشیدند.

برکناری امینی از صحنه سیاست و آغاز دوران «انقلاب سفید» مجدداً وجود احزاب ساخکی اقلیت و اکثریت را ضرور نمود. حزب اقلیت «م.م.» با تغییر دبیر کل مجدداً به عرصه آمد، ولی حزب اکثریت یعنی حزب «ملیون» دکتر اقبال برای «دوران جدید» ابزار مناسبی نبود، بدینجهت حزب درباری «ایران نوین» پا بر عرصه وجود گذارد. شاه به حزب ایران نوین لقب «باسدار انقلاب ششم بهم» داد و منصور دبیر کل حزب صریحاً اعتراف کرد که «ترسیم کننده برنامه حزب ایران نوین شخص شاهنشاه است»

اگر تا قبل از دوران «انقلاب شاه و مردم» احزاب درباری «ملیون» و «مردم» خود را «مجرى منویات شاه» میدانستند از این زمان دو حزب درباری «ایران نوین» و «مردم» خود را «مجرى هدفهای انقلاب شاهانه» اعلام کردند. وظیفه این دو حزب ایفای نقش حزب اکثریت و اقلیت در رژیم است که حاضر به تحمل کوچکترین آزادی و دموکراسی برای مردم نیست. کارنامه فعالیت این دو حزب، جز اجرای تعالیم شاه و مشتق ستایش و تمساق از او نیست. تفاوت در عبارات و جملات برنامه این دو حزب نباید و نمیتواند موجب گمراهی شود، زیرا برنامه ای جز اجرای دستور ها و نظریات شاه در مسائل داخلی و خارجی ندارند. اکنون نیز در آستانه انتخابات، اجرای وظایف معینی به این دو حزب محول شده است. از آنها که انتخابات آینده «حزبی» اعلام شده این دو حزب وظیفه دارند به تقلید از دموکراسی غربی بنام حزب اکثریت و اقلیت عمل کنند.

ملی و دموکراتیک، بهمه سازمانهای مترقی و میهن پرست ایرانی خطاب میکنیم، دوستان هم رزم! برای مبارزه مؤثر در راه افشای تقلبات انتخاباتی رژیم متحد شویم! ماهیت انتخابات قلابی رژیم را افشاء کنیم، وجدان مردم جهان را از این جریان آگاه سازیم. از سازمانها و مطبوعات خارج از کشور برای افشاء رژیم انتخاباتی شاه استفاده کنیم.

ما بدینوسیله بهمه رفقای حزبی، بهمه زحمتکشان شهر و ده ایران خطاب میکنیم: از کلیه امکاناتی که دارید در داخل کشور و خارج از آن برای افشاء ماهیت ضد دموکراتیک سیاست انتخاباتی رژیم شاه، برای بیدار کردن مردم، برای بسیج مردم به دفاع از حقوق اصیل و مقدس خود بگوئید. از تمام وسائل، توضیح شفاهی، نامه شکوائی، تلگراف، مقاله، تحصن، اعتصاب، نمایش و هر وسیله دیگری

بقیه از صفحه ۱

### اعلامیه بمناسبت بحران خاور میانه

کشور های سوسیالیستی و مقدم بر همه آنها اتحاد شوروی در جریان بحران خاور میانه تجاوز اسرائیل و پس از اجراء آتش بس بمشابه دوست اصولی و پیشگیر خفتهای عرب و مذاقه استوار امر صلح جهانی صلح در خاور میانه عمل کردند.

ما دوستی کشورهای سوسیالیستی و در پیشاپیش آنها دولت اتحاد شوروی را در این زمینه مورد تأیید و تحسین قرار میدهیم. پیشنهاد های کشورهای سوسیالیستی و کشورهای عربی در سازمان ملل متحد در مورد حل بحران خاور میانه درست و عادلانه است. ما معتقدیم که زحمتکشان یهود حق دارند در میهن خود اسرائیل حکومت دلتخواه و مستقل و آزاد خویش را داشته باشند ولی هیئت حاکمه صهیونی اسرائیل که دست نشانده امپریالیسم است حق ندارد دعاوی ارضی علیه ارض سوریه و جمهوری متحده عرب مطرح کند، حق ندارد بمشابه زندان امپریالیسم در خاور میانه علیه نیرو های مترقی عرب عمل نماید. مردم ایران بمطلبند که هیئت حاکمه بجای سیاست دو پهلوئی کنونی و ابراز خصومت بجمهوری متحده عرب و شخص جمال عبدالناصر، سیاست اصولی دفاع از حقوق حقه خفتهای عرب، تقبیح تجاوز مرتجعین اسرائیل افشاء تحریکات امپریالیستی، تحکیم صلح در خاور میانه را در پیش گیرند.

ما بر آنچه که در سنت کشور ماست که علیه دست اندازی امپریالیسم و یهودیون اسرائیل مذاقه بی خلل بعمل آورد. حزب ما خود با تمام قوا در همدین موضع ایستاده است و مردم ایران را به مبارزه در راه دفاع از حقوق حقه خفتهای عرب و علیه متجاوزان امپریالیست و صهیونی دعوت میکند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران ۳۰ خرداد ۱۳۴۶

این اعلامیه در همان روز انتشار از رادیو بیخ ایران پخش شده است.

شکست سیاست حزب بازی و مبارزه است که شرط بقای هر مردم برای دموکراسی حزب بر خورد داری از اعتماد مردم است. طی ۲۵ سال اخیر احزاب سلطنتی - دولتی با وجود برخورداری از همه گونه امکانات چون پشتیبانی مردم را نداشتند چندصاحبی پائیدند و سپس نابود شدند، اما حزب ما که سرمایه ای جز اعتماد مردم ندارد با وجود ضربات در هم شکن دشمنان قوی پنجه ای چون امپریالیسم و ارتجاع داخلی از پای در نیامد و زنده است. حزب ما محصول نیاز جامعه بود لذا پایدار ماند، آن احزاب محصول هوس هیئت حاکمه بودند لذا نابود شدند. دو حزب «ایران نوین» و «مردم» نیز سرنوشی بهتر از اسلاف خود نخواهند. مردم فریب جعل و تزویر را نمیخورند. آزادی و دموکراسی حق مشروع و قانونی هر ملتی است که آنرا قدر میشناسد و در راه آن مبارزه میکند. ملت ما نیز که شصت سال سابقه مبارزه در این راه دارد، هرگز تسلیم این حزب بازیها و الگو سازی ها نخواهد شد. مبارزه مردم تا حصول دموکراسی واقعی همچنان ادامه خواهد یافت. مینو

که ممکن شمردید، برای بلند کردن بانگ مردم و نشان دادن وضع استفاده کنید. مبارزه در راه دموکراسی مبارزه مرکزی است. وحدت و تشکل و یگیری و جسارت در نبرد میتواند ما را در طول مدت در این مبارزه پیروز کند. دوران انتخابات دوران مساعدی برای بسط چنین مبارزه ایست. باید با تمام قوا با اجراء وظایف اجتماعی و میهنی خود در این دوران اقدام کرد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران این اعلامیه در روز انتشار از رادیو بیخ ایران پخش شده است.

# جنبال علیه حزب توده ایران

منجمله توده و بازماندگان معدود آن دارودسته مغرب بوده اند. مطلب اینجا ختم نمیشود. مطبوعات ایران کوشیدند تا از طرق دیگر نیز به حزب ما حمله کنند. خوانندگانی در «صفحه آزاد» در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۶ مقاله ای بی امضاء که با احتمال قوی از منابع دولتی است تحت عنوان «ملت ایران و اتحاد حاکمیت شوروی» درج کرد و فرصت را برای جملات بی ادبانه بحزب ما غنیمت شمرد و حزب توده ایران را «کانون فساد فراریان و راهزنان» نامید و باند کسانی که «حیثیت و اعتبار خود را بطور مطلق باخته اند و در بین مردم هیچگونه پایگاهی ندارند» که باید از نویسنده محترم «صفحه آزاد» پرسید: چرا از این کسانی که بقول شما حیثیت و اعتبار خود را بطور مطلق باخته اند و هیچگونه پایگاهی در میان مردم ندارند آتشدر وحشت مرگ دارید؟ و سپس باز نوبت اطلاعات شد و در سوم خرداد تحت عنوان «دوستی بشرط دوستی» رادیو بیگ ایران را آماج حمله قرار داد و در ۷ خرداد در سرمقاله ای تحت عنوان «انشعاب در حزب توده» یک خبر رادیو لندن را وسیله تاخت و تاز بحزب توده ایران قرارداد و افراد آنرا به «گرمهای داخلی لجن» تشبیه نمود. اخیراً مجله خواندنیها بدستور سازمان امنیت دست به انتشار باصطلاح «اسنادی» در باره «جنايات» حزب توده ایران زده و جعلیات قدیمی پلیس را بار دیگر بمیان کشیده است. در این عربدهای هیستریک درجه نزاکت و عفت قلم آقایان خود یک منظره تماشائی است ولی مطلب از اینها جدی تر و پرنج تر است.

ابتدا باید گفت ما از این جنبال هیستریک آقایان جارچیان رژیم شاه نه فقط رنجیده نیستیم بلکه ممنویم. این بهترین پاسخ به آن محافل اپوزیسیون است که متأسفانه در این اواخر کوره تبلیغات ضدحزب توده ایران را گرم کرده اند و تا آنجا رفته اند که حزب توده ایران را به تسلیم در مقابل رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک موجود ایران متهم ساخته و میسازند. این حملات متمرکز و متراکم و بعد اعلا زشت و گستاخانه نشان میدهد که در نظر هیئت حاکمه ایران تنها یک نیروی واقعاً جدی و واقعاً پیگیر و واقعاً قابل توجه بعنوان آماج نبرد طبقاتی وجود دارد و آن نیز حزب توده ایران است. نشان میدهد که حزب توده ایران مانند سراسر تاریخ پر شور خود با هیئت حاکمه سازش ناپذیرست، نشان میدهد که نبرد سازمانی و تبلیغاتی ما به هدف میخورد. نشان میدهد که هیئت حاکمه هستی و تأثیر حزب توده ایران را در هر گام حس میکند. اینها فاکتورها و اسناد غیر قابل انکار است و هر مقال آن به خرواری سفسطه و ادعای تو خالی می آرد.

پس از ذکر این واقعیت باید گفت که یکی از علل این جنبال تبلیغاتی حساب شده و «شه فرموده» تدارک توشه معنوی منجمله توده و بازماندگان معدود آن دارودسته مغرب بوده اند. مطلب اینجا ختم نمیشود. مطبوعات ایران کوشیدند تا از طرق دیگر نیز به حزب ما حمله کنند. خوانندگانی در «صفحه آزاد» در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۶ مقاله ای بی امضاء که با احتمال قوی از منابع دولتی است تحت عنوان «ملت ایران و اتحاد حاکمیت شوروی» درج کرد و فرصت را برای جملات بی ادبانه بحزب ما غنیمت شمرد و حزب توده ایران را «کانون فساد فراریان و راهزنان» نامید و باند کسانی که «حیثیت و اعتبار خود را بطور مطلق باخته اند و در بین مردم هیچگونه پایگاهی ندارند» که باید از نویسنده محترم «صفحه آزاد» پرسید: چرا از این کسانی که بقول شما حیثیت و اعتبار خود را بطور مطلق باخته اند و هیچگونه پایگاهی در میان مردم ندارند آتشدر وحشت مرگ دارید؟ و سپس باز نوبت اطلاعات شد و در سوم خرداد تحت عنوان «دوستی بشرط دوستی» رادیو بیگ ایران را آماج حمله قرار داد و در ۷ خرداد در سرمقاله ای تحت عنوان «انشعاب در حزب توده» یک خبر رادیو لندن را وسیله تاخت و تاز بحزب توده ایران قرارداد و افراد آنرا به «گرمهای داخلی لجن» تشبیه نمود. اخیراً مجله خواندنیها بدستور سازمان امنیت دست به انتشار باصطلاح «اسنادی» در باره «جنايات» حزب توده ایران زده و جعلیات قدیمی پلیس را بار دیگر بمیان کشیده است. در این عربدهای هیستریک درجه نزاکت و عفت قلم آقایان خود یک منظره تماشائی است ولی مطلب از اینها جدی تر و پرنج تر است.

# پیروزیهای شگرف اقتصادی پنجاه سال سازندگی انقلاب اکبر

پس از حل انقلابی دو مسئله مرکزی در رونق و وزیر بنای اجتماعی یعنی حاکمیت و مالکیت در مدت زمان بسیار کوتاه که هر دو با تخریب عوامل کهنه توأم بود، کار به مراتب دشوارتر سازندگی که مستلزم دقت و شکیب فراوان در مدت زمان نسبتاً طولانی است آغاز گردید. و این عبارت بود از ساختن جامعه کمونیستی.

ساختن جامعه کمونیسم دارای جوانب و جهات متعدد و مراحل مختلف است. در این میان ایجاد پایه های مادی و فنی آن یعنی ایجاد پایه های اقتصادی این جامعه، بویژه در کشوری عقب مانده کاریست پس دشوار و پرازج.

برقراری مناسبات اجتماعی سوسیالیستی و تکامل تدریجی این مناسبات در رشد اقتصادی جامعه تأثیر عظیم بانی میگذارد. زیرا با برقرار ساختن مناسبات نوین و تکامل تدریجی آن موانع عمده ناشی از تضاد های اجتماعی برطرف شده و شرایط لازم برای پیشرفت سریع نیرو های مولده فراهم میگردد. در عین حال مناسبات اجتماعی پیشرو برای آنکه بتواند مرحله کمال برسد، بطور همه جانبه در تمام شئون زندگی اجتماعی رسوخ باید و در تمام زوایای روح انسانی نفوذ کند. باید پیش از همه بر پایه های مادی خود یعنی بر نیرو های مولده رشد یافته متکی باشد. بدون اقتصاد رشد یافته ایجاد مناسبات اجتماعی کامل و واقعا سوسیالیستی امکان پذیر نیست. از اینجاست که پیشرفتهای عظیم اقتصادی اتحاد شوروی نه تنها دلیل برتری مسلم مناسبات سوسیالیستی است، بلکه در عین حال حاکی از پیشرفت و تکامل مناسبات اجتماعی سوسیالیستی نیز میباشد.

بررسی پیروزیهای اقتصادی اتحاد شوروی در آستان پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی آنگونه که تنها میتواند به شناسایی بیشتر این کشور کمک کند، بلکه الهام بخش مردم ما در مبارزه خویش برای ایجاد ایرانی آزاد و آباد نیز تواند بود.

لنین میگفت: هر قدر کشوری که... باید انقلاب سوسیالیستی را آغاز کند، عقب مانده تر باشد، همانقدر نیز گذار از مناسبات کهنه سرمایه داری به مناسبات سوسیالیستی برای آن دشوارتر خواهد بود، و روسیه تزاری کشوری بود عقب مانده. روسیه کشوری بود بطور عمده کشاورزی، بیش از ۸۰ درصد مردم آن در مناطق روستائی زندگی میکردند. اگر چه بیش از ۷۰ درصد جمعیت جهان در روسیه متمرکز بود، ولی تولید صنعتی آن در سال ۱۹۱۳ فقط ۴ درصد تولید

که در این جریان در موضع غیر قانونی است نه حزب.

بهر جهت جنبال آقایان هر طورش را که بگیرند بضرر ما نیست. هیچ ابهامی دعاوی آقای مبصر را در باره آنکه ریشه باند جاعلین چک در حزب توده ایران است باور نخواهد کرد. هیچ فرد آزادی پرستی از اینکه ما در ایران، جرایم «ضمیمه مردم» و «شعله جنوب» را منتشر کنیم و با دیکتاتوری بر زمین، بدش نخواهد آمد. هیچ دولت سوسیالیستی تن باین دروغ در نخواهد داد که گویا ما اخلاکگران دوستی ایران و کشورهای سوسیالیستی هستیم. هیچ بختری تن بقول جعلیات سازمان امنیت در باره حزب ما نخواهد داد و سر انجام هیچ تبلیغی باور نخواهد کرد که شاه منجم ترقی انقلابی در تاریخ کشور است و حزب توده ایران جلوی این ترقی و انقلاب را سد کرده است. این تبلیغات از بیخ و بن یرت و سست است. لذا با آنکه مبلغان پچماق خون آلود مجیزند در سیر تاریخ از آن هیچ اثر وضعی برجای نخواهد ماند. آنچه باقی میماند اعتراف است، اعتراف بوجود و حقایق حزب ما و مبارزه اش.

## تحلیلی از تجاوز اسرائیل به کشورهای عربی و نتایج آن

روز پنجم ژوئن نیروهای اسرائیل بخاک مصر و سپس به کشورهای عربی هم مرز حمله کرد. جنگی که اسرائیل در این روز علیه کشورهای عربی آغاز کرد تجاوز و حمله امپریالیسم بین المللی زیر ماسک اسرائیل، علیه جنبش نجاتبخش ملی در کشورهای عربی است، جنگی است که امپریالیسم برای تضعیف نیروهای ملی و ترقیخواه در منطقه نفت خیز خاورمیانه که سی درصد نفت جهان از آن صادر میگردد، برپا کرده، جنگی است که برای تسلط بر خاورمیانه یعنی جناح جنوب باختری اتحاد شوروی در گرفته جنگی است که جزئی از استراتژی جهانی امپریالیسم امریکا برای سرکوبی ترقی و آزادی در جهان است. جنگی است که هدف آن بطور مشخص ساقط کردن حکومتهای مترقی سوریه و مصر میباشد.

### متجاوز کیست؟

مطبوعات، رادیو و تلویزیونهای غربی وابسته بمحافل امپریالیستی بخصوص در آلمان (بی در ماههای اخیر و در جریان حمله اسرائیل سعی فراوان نمودند که مصر را بعنوان متجاوز قلمداد کنند و تجاوز آشکار اسرائیل را به کشورهای عربی زیر پرده ای از دود تبلیغات دروغ و زهر آگین بیوشانند. مدعی شدند که مصر با بستن راه دریائی عقبه بروی اسرائیل و ترک نیروهای خود در مرزهای اسرائیل و پرواز دادن هواپیماهای خود در فضای مصر بسمت اسرائیل متجاوز است و گویا اسرائیل روز پنجم ژوئن برای دفاع از خود در تمام جبهه ها بداخل خاک مصر تاخته و تقریباً تمام مراکز نظامی و فرودگاههای مصر را بمباران کرده است! برای اینکه معلوم شود متجاوز کیست باید بواقعیات غیر قابل انکار ذیل توجه کرد: مرزهای سال ۱۹۴۸ اسرائیل با مرزهای روز پنجم ژوئن ۱۹۶۷ بکلی تغییر کرده است. حکومت اسرائیل در چندی قبل علناً اعلام داشت که حکومت سوریه را ساقط خواهد کرد. نیروهای نظامی اسرائیل در یکسال اخیر مکرر بخاک سوریه حمله کردند. پرواز هواپیماهای جنگی اسرائیل تا بالای دمشق پیشرفت. اسرائیل با سازمان جاسوسی امریکا علیه حکومت مترقی سوریه توطئه ای ترتیب داد که در نطفه خفه شد. دسته های مخصوص خرابکار و تروریست برای اغرام به سوریه ترتیب داد که بکمک ارتجاع سوریه بشتابند و حکومت آنرا ساقط کنند. اسرائیل در سالهای اخیر سه میلیارد و دوست میلیون مارک از آلمان غربی کمک گرفته که قسمت مهمی از آنرا صرف تجهیزات جنگی کرده است. آلمان غربی در یک مرحله فقط شصت و دو میلیون مارک غربی اسلحه و مهمات جنگی مجاناً با اسرائیل داده است. درست در آستانه تجاوز اسرائیل دوست هواپیمای جنگی از طرف امپریالیستها اسرائیل تحویل شده است. پنجهزار خلبان و متخصص جنگی در آلمان غربی برای اسرائیل تربیب کرده اند. نقشه حمله برق آسای موشه دایان وزیر جنگ اسرائیل بخاک مصر و کشورهای عربی از

عرب، ارسال کمکهای مالی به کشورهای عربی و پشتیبانی از هدفهای مترقی آنها و انکشی بود که اردوگاه سوسیالیسم و نیروهای ضد امپریالیستی از خود نشان دادند. افکار عمومی در کشورهای غیر عربی خاور میانه و پاکستان و هند که بنجر به توطئه های امپریالیستی را تشخیص میدهند، تهاجم اسرائیل را محکوم کرد و نسبت ببلل عربی ابراز همدردی نمود. بطوریکه حتی شاه ایران تحت فشار افکار عمومی ناچار به اظهارات مساعدی نسبت به کشورهای عربی شد و از دولت خواست به نمایندگی ایران در سازمان ملل دستور دهد که از مبارزه برای بازگشت زمینهای اشغالی از طرف اسرائیل باعرب پشتیبانی نماید. استراتژی جهانی امپریالیسم سرکوب جنبشهای آزادیبخش و استقلال طلب را در سالهای اخیر با تهاجم مستقیم غیر مستقیم هدف خود قرار داده و از امریکای لاتین تا اندونزی بهجوم و حمله دست یازیده است. جنگ ویشام، لشکر کشی به سن دمنینگ، کودتا در یونان، کودتا های نظامی در قاره افریقا و تهاجم در خاور میانه همه حلقه یک زنجیر است که بدست امپریالیستها و در درجه اول امپریالیسم امریکا انجام میگردد.

### روش اتحاد شوروی

#### و کشورهای سوسیالیستی

در آستانه و خامت اوضاع در خاورمیانه اتحاد جماهیر شوروی بمنظور حفظ صلح و پشتیبانی از جنبشهای ضد امپریالیستی مکرر حکومت اسرائیل را از توطئه و تجاوز بر خنبر داشت و به امپریالیستهای امریکائی و یاران او اخطار کرد که از دخالت در وضعی که بین اسرائیل و کشورهای عربی بوجود آمده خودداری کنند. بطوریکه میدانیم در آستانه تجاوز اسرائیل ناوگان ششم امریکا و نیروی دریائی انگلستان در مدیترانه برای تقویت اسرائیل بدریای احمر و نزدیکی آبهای مصر و اسرائیل روانه گردیدند و نیروهای انگلیسی در قبرس بحالت آماده باش خوانده شدند و اخطار اتحاد جماهیر شوروی و اغرام قسمتی از ناوگان دریای سیاه بمدیترانه موجب شد که امپریالیستها از دخالت مستقیم در جنگ خودداری کردند ولی آنها اقتدر اسلحه و مهمات و هواپیما و اطلاعات جاسوسی به اسرائیل داده بودند که توانست با حمله ناگهانی خود موقتاً پیشرفت کند و مواضع قابل توجهی را بدست آورد. اتحاد جماهیر شوروی بلافاصله پس از حمله اسرائیل در شورای امنیت بکمک کشورهای عربی شتافت، نماینده اتحاد شوروی و هند پیشنهاد کردند که فوراً آتش بس داده شود و متجاوزان اسرائیلی به مبدأ حمله خود بازگردند و حکومت اسرائیل بعنوان متجاوز محکوم گردد امریکا و انگلیس با این پیشنهاد مخالفت کردند و امکان دادند که اسرائیل با استفاده از زمان تا آنجا که ممکن است

مدتها پیش تهیه شده بود. در مقابل تمام این اقدامات حکومت مصر خلیج عقبه را که متعلق بمصر و عربستان سعودی است بروی کشتیهای حامل اسلحه و مهمات که میبایست صرف هجوم و حمله به کشورهای عربی شود بست و نیروهای خود را آماده دفاع کرد. با وجود تمام تدکراتیکه بدولت اسرائیل از طرف اتحاد شوروی و دبیر کل سازمان ملل متحد و سایر شخصتهای سیاسی بمنظور جلوگیری از وقوع جنگ داده شده، جنگ همه جانبه ای را در روز پنجم ژوئن آغاز کرد. روز هفتم ژوئن به پیشنهاد اتحاد شوروی، شورای امنیت سازمان ملل متحد متفقاً رأی داد که متخاصمین فوراً فرمان آتش بس بدهند تا از توسعه جنگ که خطر بروز جنگ جهانی را در بر دارد جلوگیری شود، باز هم اسرائیل به تجاوز خود ادامه داد و علیرغم تدکرمجدد شورای امنیت و قبول آن از طرف تمام کشورهای عربی در خاک سوریه پیش رفت و تا روز دهم ژوئن این وضع ادامه یافت. اینک پس از چند روز که از وقوع جنگ و پایان موقت آن میگذرد و دولت اسرائیل با کمال صراحت زمینهای اشغالی اردن، شهر بیت المقدس، حاشه غزه، بندر عقبه و در یک کلام تمام مناطق اشغالی را جزء خاک خود اعلام میکنند معلوم است که محلی برای ادعای باطل محافل تبلیغاتی وابسته با امپریالیسم باقی نماند.

### واکنش جهان

بیشرفت موقت نظامی اسرائیل در خاک کشورهای عربی از طرف دولتها و دستگاههای تبلیغاتی امپریالیست ها با شادی و شمع فراوان تلقی و رجز خوانی موشه دایان علیه ناصر و سایر رهبران کشورهای عربی با کف زدن محافل امپریالیستی مواجه گردید. بطورزی که در گذر امریکا سناتورهای گفت خوبست دولت امریکا موشه دایان را در مقابل ۴۰۰ هواپیمای مدرن از اسرائیل بستاند و بویتام اغرام دارد! در بین کشورهای امپریالیستی از همه بیشتر آلمان غربی از پیشرفت موقتی نظامی اسرائیل ابراز خوشنودی میکند و آنرا بحساب جبران یهود کشی های آلمان نازی میگذارد در حالیکه این فاشیست های هتلری بودند که میلیونها یهودی بیگناه را در بازداشتگاههای داخائو، آئوش و ریتس و غیره نابود کردند نه عربها، حقیقت اینست آنچه برای حکومت آلمان غربی خوش آیند است رفتار و اعمال فاشیستی حکومت صهیونی اسرائیل علیه ملت های عربی و حسن خدمتی است که این حکومت در اجرای هدفهای امپریالیستها بعمل میآورد. تهاجم و تجاوز اسرائیل در کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورهای ضد امپریالیستی موجی از خشم علیه محافل حا که اسرائیل و امپریالیستهای حامی آنها برانگیخت. تظاهرات وسیع علیه تهاجم و امپریالیستها ابراز همدردی با ملل

بشوروی کند. بار دیگر اتحاد شوروی پیشنهاد کرد که دول متخاصم در هر نقطه که هستند بایستند و آتش بس داده شود. اینک مسلم است که این پیشنهاد بمنظور جلوگیری از توسعه دامنه جنگ بر حسب تقاضای مصر بعمل آمده. این بار شورای امنیت متفقاً با این پیشنهاد رأی داد و به متخاصمان ابلاغ گردید. ولی اسرائیل که هنوز به هدفهای قطعی نظامی خود نرسیده و مخصوصاً در مرزهای سوریه پیشرفتی نکرده بود از اجرای آتش بس خودداری کرد. اتحاد شوروی با تعیین ضرب الاجل برای سومین بار با توافق آرای شورای امنیت قطعنامه آتش بس را بتصویب رساند و همه متخاصمان آنرا قبول کردند ولی باز هم اسرائیل از ادامه تجاوز تا روز دهم ماه ژوئن در خاک سوریه خودداری نکرد. اتحاد شوروی با استفاده از تجاوز اسرائیل پس از آتش بس از جلسه فوق العاده شورای امنیت خواست که اسرائیل بعنوان متجاوز و ناقض فرمان آتش بس شناخته شود فقط نماینده امریکا با این پیشنهاد رأی ممتنع داد. اتحاد شوروی پس از اخطارهای مکرر به اسرائیل روابط سیاسی خود را با این دولت قطع کرد و متوالیاً چکوسلواکی، بلغارستان، مجارستان و لهستان روابط خود را با اسرائیل قطع کردند. جلسه فوق العاده سران احزاب کمونیست کشورهای سوسیالیستی اروپا با استنای رومانی و آلبانی با شرکت مارشال تتو در اتحاد جماهیر شوروی اسرائیل را محکوم کرد و بپلوزم هر گونه اقدام برای جلوگیری از تهاجم و اجرای مجازاتهای مناسب درباره اسرائیل با توافق آراء رأی داد. اتحاد جماهیر شوروی رسماً اعلام داشت که از پندل هر گونه مساعدت برای پیشرفت اقتصادی کشورهای عربی و تقویت آنها برای دفاع از خود در مقابل تجاوز امپریالیست ها خودداری نخواهد کرد. تبلیغات امپریالیستی سعی فراوان میکنند که اتحاد شوروی را به نقض «وفاداری» و «خلف وعده» نسبت به کشورهای عربی متهم کند. ولی این سعی بکلی بیفایده و بیفایده است جریان حوادث نشان داد که اتحاد شوروی با اصول سیاست خود که از یکطرف حفظ صلح جهانی و عدم دخالت در امور کشورهای و از طرف دیگر کمک بجنبش های آزادی بخش ملی و حکومت های مترقی آنست مؤمن و وفادار است. فقط کوتاه نظران لزوم دخالت نظامی اتحاد شوروی را در جنگ اسرائیل علیه اعراب و کاشاندن جهان بجزنگی که نتایج وخیم آن برای بشریت غیر قابل پیش بینی است تبلیغ و از آن بهره برداری تبلیغاتی میکنند. تنها هواداران مشی حادثه جوانه در سیاست بین المللی مانند چوئن لای که دستی از دور بر آتش دارد، میتوانند با فرمان آتش بس مخالفت و مصر را ببادامه جنگ تشویق نمایند.

### آیا اسرائیل پیروز شده است؟

بیشرفت سریع نیروهای مهاجم در خاک مصر و اردن و موفقیت نسبی این نیروها در خاک سوریه که بظاهر موفقیتی نظامی است اسرائیل و پشتیبانان آنرا دچار سرگیجه کرده است. سخنرانی موشه دایان در مقابل مجبران جراند و خبرگزاری های خارجی و ادعاهای بشیه در صفحه ۵

# تحلیلی از تجاوز اسرائیل به کشورهای عربی و نتایج آن

برای اطلاع از چگونگی پیدایش حکومت اسرائیل که مسلماً بر تساوت صحیح درباره وقایع اخیر مفید است ذیلاً تاریخچه کوتاهی درج میشود:

## اسرائیل چگونه بوجود آمد ؟

از آغاز اعلام تأسیس کشور اسرائیل در خاک فلسطین از طرف بن گورین مدیر آژانس یهود در فلسطین سال ۱۹۴۸ و شناسایی فوری آن از طرف امریکالیان تا اکنون بطور مداوم گامی بصورت حاد و زمانی بصورت زودخورد در مرزها، مرزهایی که هیچوقت تثبیت نشده جنگ بین اسرائیل و اعراب در جریان است، اعراب حکومت یهودان را در فلسطین حکومتی میدانند که بزور در سرزمین آنها بوجود آمده و مبین آنها را اشغال کرده و بیش از یک میلیون عرب را از زادگاه خود جبراً بخراج رانده و هستی آنها را بیضاغه برده است. یهودان بنا استناد به تورات و وضع شهر اورشلیم در سه هزار سال پیش، این منطقه را از آن خود میدانند و مدعیند که خاک آنها از طرف اعراب و سایر اقوامی که در این منطقه میزیسته اند غصب شده است! هر دو طرف خاک اشغال شده از طرف حکومت اسرائیل را از آن خود و مبین خود میدانند. حقیقت چیست؟ حقیقت این است که پس از تسلط روم بزرگ بر تمام منطقه شرق مدیترانه تا کنون یعنی در طول نزدیک به دو هزار و هشتاد سال هیچگاه در منطقه فلسطین حکومتی یهودی وجود نداشته و در دوران اسلام فلسطین و شهر بیت المقدس جزئی از ممالک اسلامی بوده و مانند اکثر کشورهای فلسطین هم یک اقلیت یهودی در کنار اکثریت اعراب این منطقه با هم میزیسته اند. یهودان در هر جای دنیا که بوده اند دارای تابعیت محلی و جزء مردم آنجا بوده اند چنانکه هم اکنون بیش از یک و نیم میلیون یهودی در اروپا و امریکا و آسیای شرقی و غربی و محل سکونت خود میباشند. در آستانه جنگ کین الملل اول (۱۹۱۴) یهودان فقط ۱۶ درصد از سکنه فلسطین را تشکیل میدادند و ۸۶ درصد سکنه اعراب بودند در سال ۱۹۱۴ یکی از شیمی دانان معروف بنام (شایم ویزمان) موفق بکشف ماده مهم منجرهای بنام (آستن) گردید و نتیجه کشف خود را در اختیار دولت انگلستان گذاشت و در مقابل تعاضاً کرد که انگلستان به هفت صهیونیسم کمک کند تا یهودان هنگام یهودی انگلستان در جنگ بتوانند مرکز برای خود در فلسطین داشته باشند. (هفت صهیونیسم در قرن نوزدهم بوجود آمد و در اواخر این قرن بصورت سازمانی که میخوانند بانگلسان در جنگ علیه عثمانی مقید باشد پهنای مورد حمایت انگلستان قرار گرفت) انگلستان با این قاعده روی موافق نشان داد. در سال ۱۹۱۷ پس از شکست عثمانی لرد بالفور وزیر خارجه وقت انگلستان به لرد ریچیلد میامیون معروف یهودی چنین نوشت: «حکومت پادشاهی انگلستان با تأسیس یک مرکز ملی برای یهود در فلسطین موافق است و آنچه میخوانند در اجرای این منظور بکار خواهد بود. از طرف دیگر انگلستان در دوران جنگ اول توسط جاسوسان خود از قبیل کاتل لورنس معروف اعراب را علیه دولت عثمانی برانگیخت و آنها وعده استقلال داد. پس از پایان جنگ در تمام مناطق عربستان بصورتی سوریه و لبنان که غنیمت جنگی فرانسه شد حکومت پهنای عربی بوجود آمد که بیشتر در بند انجام خواستهای انگلستان بود تا نامیالات استقلال طلبانه ملی عربی. در سال ۱۹۲۲ انگلستان که موقعیت خود را در کشورهای عربی تثبیت شده میدید اعلام داشت که قصد ندارد فلسطین را بکشوری یهودی تبدیل نماید و خود فلسطین را به عنوان تحت الحمايه اشغال کرد. در سال ۱۹۲۹ با اجازه انگلستان دفتر آژانس یهود از طرف صهیونیست ها تأسیس گردید این دفتر با استفاده از فقر اعراب بخرید بهترین زمین های فلسطین آغاز نمود و مهاجرت یهودان را فلسطین

سازمان داد. از همان زمان اعراب با احساس خطر ناشی از خود را از تمرکز یهودان در فلسطین ابراز داشتند و دولت چمبرلین ناچار شد در سال ۱۹۳۹ در کتاب سفید مهاجرت و خرید زمین را از طرف یهودان در فلسطین محدود کند ولی بهر حال با موافقت پنهانی انگلستان صهیونیست ها توانستند تعداد زیادی مهاجر فلسطین بفرستند؛ بطوریکه در آستانه جنگ دوم ۱۲ درصد از سکنه فلسطین یهودی بود. در جنگ دوم انگلستان از یهودان که از طرف آلمان هیتلری بنا برودنی مطلق تهدید میشدند حد اغلاهی استفاده را نمود و با آنها وعده استقلال در خاک فلسطین داد و صهیونیست ها تا توانستند مهاجر یهودی فلسطین فرستادند ولی در پایان جنگ انگلستان بدست جلوی مهاجرت را گرفت زیرا احساس میکرد که این بار یهودان از طرف امریکا که رقیب تازه ای در خاور میانه برای آنها هستند تقویت میشوند. فشار محافل مختلف یهودان امریکایی و احساس ترحم و دلجوئی که در همه جا بنفع یهودان وجود آمده بود موجب شد که انگلستان در محظور سختی قرار گیرد. ترومن رئیس جمهور امریکا پیشنهاد کرد که حکومتی فدرال از اعراب و یهود در فلسطین تشکیل و شهر بیت المقدس بین العالی شود و مهاجرت یهود فلسطین محدود گردد. اتلی نخست وزیر انگلستان پیشنهاد تشکیل میز گردی از یهود و اعراب کرد ولی یهود آنرا رد کردند اختلاف بین اعراب و یهود در فلسطین روز بروز شدت مییافت و سازمان تروریستی از یک طرف به پایگاههای انگلیسی و از طرف دیگر به اعراب فلسطین حمله میکرد. بالاخره در سال ۱۹۴۷ سازمان ملل متحد با اکثریت رأی داد که فلسطین بدو کشور مستقل یهودی و عربی تقسیم و شهر بیت المقدس بشهر آزاد بین العالی تبدیل گردد اعراب با این تصمیم مخالفت کردند و انگلستان که بعنوان لاجرم فلسطین را در اختیار داشت قبول آنرا موقوف بموافقت طرفین ذینفع نمود. روز ۱۵ مه ۱۹۴۸ دوران قومیت انگلستان بنیان رسیده و این دولت اعلام کرد که فلسطین را ترک خواهد نمود. لژیون عرب به فرماندهی ژنرال کلوب پاتنالی انگلیسی به تدریج مواضع تخلیه شده از طرف انگلستان را بنام کشور اردن اشغال میکرد و در همین حال عملیات تروریستی یهود باج خود نزدیک میشد.

سابقه قتل سید نصر زن و بچه عرب بدست تروریستها در خیر و یاسین، و تجاوز دائمی آنها به زنان عرب موجب شد که اعراب مسالمت جو راه مهاجرت و در واقع فرار از فلسطین را در پیش گیرند و بکشور های عربی مهاجر پناهانده شوند. کمیسیون سازمان ملل متحد که مأمور اجرای طرح سازمان در فلسطین بود در مقابل اوضاع آشفته فلسطین ابراز ناتوانی و تقاضای لژیونی نظامی کرد. در همین موقع حکومت امریکا پیشنهاد نمود که کمیسیونی بنام سازمان ملل اداره امور را در فلسطین بدست گیرد و متدرجاً آنرا به استقلال برساند. هیات دیگر فلسطین بنام سازمان ملل مستظفما تحت اداره امریکا نامیریکا - انگلستان در ایوبلی چند ساعت پس از تخلیه فلسطین از لژیون های انگلیسی (بن گورین) مدیر دفتر آژانس یهود در فلسطین تأسیس حکومت اسرائیل و استقلال آنرا اعلام نمود و اولیون جنگ رسمی و علنی بین کشورهای عربی و حکومت اسرائیل آغاز گردید. سازمان تروریستی ها گانا صقه لژیونی ضربتی سختی بود هسه اصلی ارتش اسرائیل را تشکیل داد و این لژیون توانست به قتل کشتن های مصر، سوریه، لبنان و اردن که همه دارای حکومت های دست نشانده بودند برابر کند و قوای مصر و اردن را به عقب براند. سازمان ملل کمت برنادوت رئیس صلیب سرخ بین العالی را برای وساطت بین عرب و یهود

فلسطین فرستاد و جنگ یکماه متوقف شد ولی یهودان کمت برنادوت را ترور کردند و مجدداً جنگ ادامه یافت. کمی بعد بواسطت سازمان ملل متحد فرمان آتش بس داده شد و مرز های موقت بوجود آمد ولی ناگهان قوای اسرائیل بمنطقه ایلات در کنار خلیج عقبه حمله برده و آنرا تصرف کردند. در این حوادث حدود یک میلیون نفر عرب از ترس تروریست های یهود هر چه داشتند گذاشتند و بکشور های دیگر عربی و بیشتر بکشور اردن مهاجرت کردند و در حدود ۳۰۰۰۰۰۰ نفر عرب در اسرائیل باقی ماند که اینک از حقوق اتباع اسرائیل محرومند در سال ۱۹۵۶ یعنی هنگام مای کردن ترقه سوزنبار دیگر اسرائیل بمصر حمله برد و قوای انگلستان و فرانسه نیز بیک ممر تجاوز کردند. اخطار دولت اتحاد شوروی آنان را وارد بعقب نشینی کرد و اسرائیل ناچار شد قوای خود را به مرز های از تجاوز بازگرداند از طرف سازمان ملل در مرز های بین کشورهای عربی و اسرائیل نیروهای مراتبی گذاشته شد و شهر بیت المقدس نیز بدو قسم عملاً تقسیم گردید. اما اختلاف اساسی مسئله پناهندهگان عرب و فلسطین بجای خود ماند. از آغاز تأسیس حکومت اسرائیل سببی از مهاجران یهود از اطراف جهان فلسطین روانه گردید بطوریکه اکنون دو میلیون و دویست هزار یهودی در مقابل سیصد هزار عرب در فلسطین جای گرفته اند. این نکته را باید گفت که هم اکنون یهودان فلسطین بدو دسته متمایز تقسیم میشوند. یکدسته ساکنان قدیمی که صد ها سالها اعراب فلسطین در صلح و صلوات زندگی میکردند و از حیث آداب و رسوم بهم نزدیک بودند و دسته دیگر مهاجران اروپایی و امریکایی که از هر جهت با سکنه بومی فرق قاطع دارند. حکومت واقعی فلسطین در دست بورژوازی بزرگ و وابسته است که مورد حمایت کشورهای امپریالیستی و در درجه اول امریکاست. از روی این تاریخچه کوتاه بغوی میتوان بی برد که تا چه حد ادعای کشورهای غربی و دستگاه های تبلیغاتی آنها در باره حقوق اسرائیل در فلسطین مقرون بحقیقت است. حکومت اسرائیل فرزی زنده ای از لشک تصاح برای قربانیان فاشیسم و با سوء استفاده از احساس همدردی مردم جهان نسبت به توده های رنجور و بی آزار یهود بدست نمایندگان بورژوازی بزرگ یهود یکمک امریکائیان و در آغاز با تردید انگلستان بوجود آمد و کشوری که اکثریت آنرا عربها تشکیل میدادند تصاحب شد و در مدتی کوتاه ماهیت تجاوزکار آن معلوم گردید. ابتدا تصمیم سازمان ملل متحد را دائر به تشکیل کشوری عربی در فلسطین در جنب اسرائیل تقض کرد. سپس به ناحیه ایلات با حضور کمیسیون آتش بس تجاوز نمود. بار دیگر بدست امپریالیست های امریکایی و انگلیسی در سال ۱۹۵۶ بمصر حمله کرد و اینک پس از ۱۱ سال لشکر ترقه طلبانه جدیدی را بمورد اجرا میکندارد. اکنون ترقه از پشتیبانی کامل امریکا - انگلستان و آلمان غربی یعنی سه نیروی بزرگ سرمایه داری توسعه طلب برخوردار است. انگلستان که در آغاز امر در پشتیبانی اسرائیل تردید داشت و جانب حکومت پهنای دست نشانده خود را در کشورهای عربی مراعات میکرد پس از توسعه جنبش تجارت بخش ملی در کشورهای عربی و سقوط حکومت های ارجاعی و فکوالی عراق، سوریه، مصر و یمن که نتیجه مستقیم تأثیر پرورزی اتحاد جماهیر شوروی در جنگ فایه تقسیم و پیدایش جنبه نیرومند کشور های سوسیالیستی است، روش خود را در مورد اسرائیل تغییر داد و بیکی از پشتیبانان آن تبدیل گردید.

## تصحیح لازم

در شماره گذشته ما همان مردم (شماره ۲۶) در مقاله «پرامون توسعه روابط اقتصادی ایران با کشورهای سوسیالیستی» در سطر دوم از ستون دوم (صفحه اول) بجای عبارت: «با پایتکف معاون نخست وزیر و پاتولیف وزیر بازرگانی انجساد شوروی» عبارت: «با پایتکف معاون وزیر بازرگانی اتحاد شوروی» چاپ شده است. بدینوسیله اشتباه چاپی را اصلاح میکنیم.

بقيه از صفحه ۱

### سفری که برای شاه و محافل حاکمه آلمان غربی رسوائی ببار آورد

تظاهرات به آن شکل و نیروی خاصی داد و بر تأثیر آن بر افکار عمومی مردم آلمان غربی (و نه تنها آلمان غربی) بمیزان زیادی افزود. نتیجه اینکه صدای اعتراض نیرومندان از همیشه شد و حصار پلیس را شکست و به گوش شاه رسید.

این تظاهرات نشان داد که اگر دانشجویان ایرانی متعهد شوند، اگر بجای تکیه بر اختلافات خود به هدفهای مشترک خود تکیه کنند و اگر عوامل و سیاستهای ناسالم و تفرقه افکن میدان ندهند، نه فقط قادر خواهند بود گامهای جدی در راه نیل به هدفهای خود بردارند، بلکه خواهند توانست پشتیبانی نیروهای دموکراتیک و مترقی خارجی را نیز جلب کنند و به جنبش خود نیروی بیشتری بدهند.

#### پلیس فاشیستی در عمل

وقتی تهدیدها و توقعها و تحریکات پلیس قبل از سفر نتیجه مطلوب را ببار نیاورد، وقتی ۳۰ هزار نفر پلیس هم نتوانست صدای اعتراض را خاموش کند، آنوقت پلیس آلمان غربی ماهیت فاشیستی خود را تمام عیار بروز داد. مأموران سازمان امنیت ایران که در چند نقطه بصورت «هوداداران شاه» تظاهر میکردند با اینکه با چوبهای از پیش آماده شده شدت بتظاهر کنندگان حمله میکردند و عده زیادی بهمین ترتیب مجروح شدند، در برابر جمع تظاهر کنندگان ایرانی و خارجی و آلمانی بر ضد شاه بقبری ناچیز و در مقابل خشم و هیجان آنها بقدری ناتوان بودند که با وجود حمایت آشکار پلیس چند هزار نفری در هر نقطه، نتوانستند کاری از پیش ببرند. بهمین جهت پلیس آلمان غربی با گاز اشک آور، با فشار آب مساشنه‌های آتش نشانی، با باتون و سرانجام با گلوله آتشین بمیدان آمد. پلیس فاشیستی آلمان غربی با روش خشونت آمیز و بیرحمانه خود بر ضد تظاهر کنندگان تا آنجا پیش رفت که سرانجام در برلین غربی نخستین قربانی خود را به چنگ آورد. يك دانشجوی ۲۶ ساله بنام «بنو اونه زورگ» در اثر شلیک پلیس بقتل رسید و بدین ترتیب سفر نامیوم شاه با خون بیگناه جوانی که برای نخستین بار در چنین تظاهراتی شرکت میکرد رنگین شد.

#### تظاهرات ضد شاه

قبل از آمدن شاه مقامات سفارت ایران از طرفی و پلیس آلمان غربی از طرف دیگر به تهدید عده ای از دانشجویان پرداختند. پلیس آلمان غربی در دوران اقامت شاه مرزهای آلمان غربی را بروی ایرانیان بست و حتی عده ای را بر خلاف قانون توقیف کرد و برای مرعوب کردن دانشجویان و پرونده سازی علیه آنان دست بعجل تحریک آمیزی زد، بدین معنی که قبل از ورود شاه اعلام کرد که دو بسته مواد مخدوره برای دو دانشجوی ایرانی ارسال شده است؛ ولی هیچکدام از این فشارها نتوانست دانشجویان ایرانی را در آلمان غربی از تظاهر بر ضد شاه بازدارد. کنفدراسیون و سازمانهای دانشجویان ایرانی در آلمان غربی نخست با پخش اعلامیه های متعدد بزبان آلمانی و فارسی و سپس با سازمان دادن تظاهرات در هر نقطه ای که شاه به آنجا میرفت بمقتدان آزادی در ایران اعتراض کردند و مطالبات دموکراتیک و عادلانه خود را مطرح ساختند. شاه حتی با وجود حصار پلیس صدای اعتراض نسل جوان و روشنفکر ایران را شنید.

بدیده بسابقه دیگر شرکت وسیع و فعال دانشجویان خارجی و بویژه دانشجویان مترقی آلمان غربی در این تظاهرات بود. محافل دموکراتیک و مترقی در آلمان غربی که خود در کار مبارزه بزرگ و دشواری علیه تجدید حیات فاشیسم در آلمان غربی هستند، با ابراز همبستگی خود با دانشجویان ایرانی در واقع در مبارزه مشترک همه نیروهای دموکراتیک و مترقی در سراسر جهان در راه صلح، استقلال و دموکراسی شرکت کردند. شرکت دانشجویان آلمانی و خارجی در این

و پیروزی آنها نزدیکتر خواهد بود.

ما در برابر روح شریف و مبارز این جوان آلمانی سر تعظیم فرود میآوریم. ما به خانواده و بویژه زن جوان او، که فرزندی از وی باردار است، صمیمانه تسلیت میگوئیم و خود را در اندوه آنها شریک میدانیم. ما از ابراز همبستگی جوانان مترقی آلمان غربی سپاسگزاریم. ما به این جنایت پلیس آلمان غربی شدیداً اعتراض میکنیم و خواهان مجازات قاتل هستیم. ما اطمینان داریم که خون «بنو اونه زورگ» پیوند دوستی و مبارزه مشترک بین دانشجویان ایرانی و دانشجویان مترقی آلمان غربی را محکمتر خواهد کرد.

#### واکنش افکار عمومی در آلمان غربی

تدارکات پلیس آلمان غربی برای «حفظ شاه» که موجب مختل شدن زندگی عادی مردم و حتی برای مدتی اختلال در امور اقتصادی برخی شهرها شد و خشونت پلیس که سرانجام منجر بقتل یک نفر گردید اثر بسیار نامطلوبی در افکار عمومی مردم آلمان غربی گذاشت و موجب اعتراض شدید محافل مختلف اجتماعی گردید. بسیاری از روزنامه های آلمان غربی، حتی روزنامه های وابسته بمحافل حاکمه آلمان غربی، از این جریان انتقاد کردند. دانشجویان آلمان غربی به تظاهرات شدیدی بر ضد پلیس آلمان غربی دست زدند و خواستار مجازات قاتل جوان آلمانی و رسیدگی به خشونت پلیس شدند. در تمام مدت اقامت شاه در آلمان غربی بر خلاف گذشته فقط معدودی به «تماشا» آمدند و این تماشاچیان هم با سردی کامل از شاه و ملکه «استقبال» کردند. بدین ترتیب شاه بجای آنکه طبق معمول مسافرتهاى خود به خارج موفق به تبلیغ در باره «ایران آزاد» و «شاه محبوب و ترقیخواه» شود، اینبار فقط توانست ماهیت «آزادی» موجود در ایران و درجه «ترقیخواهی و محبوبیت» خود را به افکار عمومی در خارج از کشور آشکار سازد. شاه با سفر خود به آلمان غربی هم برای خود و هم برای محافل حاکمه آلمان غربی رسوائی تازه و بسابقه ای ببار آورد.

#### خاطر مبارک آسوده باشد

مطالعه اخبار روزنامه های ایران درباره سفر شاه به آلمان غربی از نظر دیگری جالب و افشاء کننده است. در این روزنامه ها شما فقط میخوانید که چگونه «شاهنشاه آریا مهر و شهبانو» با «استقبال گرم و پرشور هزاران نفر از دانشجویان ایرانی و مردم آلمان غربی» روبرو شده اند! کمترین خبری در باره حصار پلیس، تظاهرات دانشجویان، خشونت پلیس و جنایتی که رخ داده در این «مطبوعات آزاد» دیده نمیشود. گوئی وقایعی که برای دو هفته تمام اخبار را در آلمان غربی تحت الشعاع خود قرارداد، منظره خیابانهای این کشور را تغییر داد، در زندگی مردم وقفه ایجاد کرد، بحث دولتی و پارلمانی را پراکنگت، در کره ای دیگر رخ داده است که از آن اطلاعاتی در اختیار «مطبوعات آزاد» اگر ما نمیتواند قرار گیرد! باید که رژیم شاه واقعاً «طبیعی» و واقعاً «۲۵۰۰

بقیه از صفحه ۳

### پیروزیهای شگرف انقلاب اکتبر

را در اروپا اشغال میکنند.

روسیه تزاری در سال ۱۹۱۳ بلندآوازه ۱۴ در صد امریکا فولاد ۶۰ در صد امریکا زغال ۳۰ در صد امریکا نفت ۸۰ در صد امریکا نیروی برق تولید میکرد. در آلمان تولید صنعتی امریکا من حیث المجموع ۸ برابر تولید صنعتی روسیه بود. ولی زمانیکه اتحاد شوروی در سال ۱۹۲۰ به اجراء اقتصاد از هم پاشیده خود پرداخت، بمالی که قبلاً ذکر شد وضع آن به مراتب بدتر از سال ۱۹۱۳ بود. چنانکه تولید فولاد امریکا در این سال ۲۱۰ برابر تولید زغال ۶۹ برابر تولید نفت ۱۶ برابر تولید نیروی برق ۱۱۰ برابر تولید شوروی بود. تمام صنایع امریکا ۶۰ برابر بیش از صنایع اتحاد شوروی محصول تولید میکرد. مسابقه اقتصادی میان دو سیستم با چنین شرایط نابرابری آغاز شد. ولی قدرت حیاتی سوسیالیسم و دینامیسم درونی آن طوری بود که اتحاد شوروی در مدت زمان کوتاهی توانست این شکاف عظیم را بعد اقل برساند و باوجود خسارات عظیم زمان جنگ که در عین حال سالهای پر برکتی برای امریکالیسم امریکا بود تولید صنعتی خود را به ۶۵ در صد تولید امریکا برساند. آهنک متوسط رشد صنایع اتحاد شوروی در ۲۰ سال پس از جنگ برابر ۱۱۴ در صد یعنی بیش از سه برابر آهنک رشد صنعتی ایالات متحده امریکا بوده است (آهنک رشد صنعتی امریکا ۳۶ در صد در سال). بدیهی است اتحاد شوروی با چنین آهنکی بزودی بر امریکا، این دژ اقتصادی جهان سرمایه داری نیز سبقت خواهد جست و بیش از پیش برتری شیوه تولید سوسیالیستی را بر شیوه تولید سرمایه داری به ثبوت خواهد رساند.

با پهای رشد نیروهای مولده، جهات وجوانب مختلف مناسبات تولیدی نیز باید بسط و تکامل یابد. پس از حل مسئله مرکزی در مناسبات تولیدی، یعنی حل مسئله مالکیت، جوانب و مسائل دیگر مناسبات، تولیدی در شرایط سوسیالیسم اهمیت درجه اول کسب مینماید. مسائلی از قبیل نقش و مقام زحمتکشان در امر اداره و رهبری جوانب مختلف تولید و توزیع، نعم مادی، حدود و دامنه ساتنالیسم و دموکراتیسم و ایجاد هماهنگی منطقی متناسب با شرایط خاص تاریخی میان آنها، چگونگی تعیین سهم گروههای مختلف زحمتکشان از محصول اجتماعی و تعیین تناسبات لازم در کمیته در آمد ها و غیره، کسبه هریک بنحوی جوانب مختلف مناسبات تولیدی را در شرایط سوسیالیسم در بر میگيرند، از اهم این مسائل هستند و در رشد نیروهای مولده جامعه سوسیالیستی نقش بزرگ دارند. نحوه برخورد با این مسائل و طرز حل آنها تأثیر عظیم در تکامل مناسبات تولیدی جامعه سوسیالیستی باقی میگذارد. هم اکنون در اتحاد شوروی مانند برخی کشورهای سوسیالیستی دیگر در این زمینه ها کوشش های اولیه بعمل میآید. طبیعی است که پیدا کردن راه حل های علمی و بکار بستن صحیح آنها تحریک تازه ای در رشد نیروهای مولده و پیشرفت همه جانبه اقتصاد سوسیالیستی بوجود خواهد آورد.

ساله» باشد که بلند گویان رژیم میخواهند حصار پلیس را در مغزها هم بوجود آورند! ولی همانطور که حصار پلیس در آلمان غربی نتوانست صدای اعتراض دانشجویان را بر ضد دیکتاتوری شاه خاموش کند، حصار پلیسی در داخل ایران هم نتوانست و نمیتواند مردم را از آگاه شدن بر حقایق سفر شاه به آلمان غربی باز دارد. رادیسو يك ایران، زبان آزاد و حق گوی ملت ایران، هر روز مردم ایران را در جریان وقایع گذاشت و توطئه سکوت روزنامه های ایران را شکست. روزنامه های دولتی با این توطئه سکوت و با این قلب حقایق، رسوائی سفر شمارا به آلمان غربی تکمیل کردند. م. انوشه

# چشم اندازی از اقدامات ارضی دولت

## (نتایج رفورم ارضی در ایران در رشته های مالکیت ارضی و استفاده از زمین)

تقریباً ۶ سال قبل یعنی در اواخر سال ۱۳۴۰ دولت امینی متن جدید قانون اصلاحات ارضی را منتشر کرد. مدتها قبل از انتشار این قانون یعنی در سال ۱۳۳۹ شاه اعلام کرده بود که مایل است زمینهای خود را که به بیش از یک هزار رقیبه (از مجموع ۲۱۰۰ ده املاک سلطنتی) شمارش شده بود بدهقانان ساکن آن زمینها بفروشد. در سال ۱۳۳۳ هم چنین آئین نامه مربوط به اجرای قانون تقسیم و فروش املاک خالصه که دو سال قبل از آن بتصویب رسیده بود تنظیم گشت و اجرای آن آغاز گشت. ولی زمینهای خالصه و بردار تقریباً یک بیستم زمینهای زیر کشت ایران را تشکیل میدادند. بیش از ۶۰ درصد زمینهای زیر کشت مملکت در آن موقع فقط به ملاکین و بخصوص ملاکین عمده که هر یک بطور متوسط ۴۰ تا ۵۰ ده در دست مالکیت داشتند تعلق داشت. تعداد بسیاری از زمینها نیز در حیطه مالکیت وقف بود. از همه زمینهای زیر کشت فقط ۱۴ درصد به دهقانان آنها فقط به ۷ درصد دهقانان نسق در تعلق داشت و پس از ۹۳ درصد دهقانان نسق در زمین نداشتند و بر روی زمین ملاکین شاه و خالصه و وقف کار رعیتی و اجاره داری مینمودند. مناسبات ارباب - رعیتی که صد ها سال برده ایران حاکم بود، دهقان ایرانی را به برده تبدیل کرده بود. زمین و ارباب وابسته نموده بود. فشار اقتصادی و غیر اقتصادی بر دهقانان و محرومیت آنان موازی با ازدیاد جمعیت کشور بطوریکه کشاورزی را به سمت سقوط میبرد. کثرت کمبابت شد. نهادهای دهقانی توسعه یافت و مهاجرت دهقانان به شهرها صورت دسته جمعی بخود گرفت.

قانون مصوب سال ۱۳۴۰ در مقابل دولت وقت مسئله از میان بردن بجران فوق را به اشکال زیر قرار داده بود: ملاکین بزرگ باید برای خود ۶ دانگ (یک ده) از املاک خود را جدا میکردند و بقیه را برای فروش بدهقانان به دولت میفروختند. هرگاه زمینها از طرف ملاکین زراعت میکشیدند و یا اگر زمینهای باغ تشخیص داده میشد هر قدر آن زمین بیش از ۶ دانگ هم می بود دولت حق نداشت آنها را برای فروش از ملاکین بخرد. زمینها با نرخ برابر ۱۰ برابر مالیات زمین ضرب در ضریب بدی و خرابی زمین به اقساط ۱۵ ساله خریداری میشد و با همان قیمت باضافه ۶ درصد به اقساط ۱۵ ساله بدهقانان فروخته میشد.

در زمینهای که در نزد ملاکین باقی می ماند مالک حق خراج دهقان را از زمین که دهقان بر روی آن (تا تاریخ تصویب قانون) کار میکرد نداشت مگر با اول رضایت دهقان، و خرید حق ریشه که دهقان بر زمین داشت ضمن آنکه سیستم ارباب - رعیتی (مزارعه) بایستی با انتخاب یکی از روش های زیر از طرف مالک لغو میگشت:

۱- یا آنکه مالک زمین خود را به دهقان بمدت ۳۰ سال به اجاره مقطوع بدهد (با دادن حق تجدید نظر در شرایط اجاره هر ۵ سال یکبار). یا آنکه مالک زمین با رضایت دهقان زمین خود را باو بفروشد؛ و با اواخر آنکه مالک حق داشت زمین خود را بر حسب سهمی که سابقاً طرفین میبرده اند بین خود و دهقان تقسیم کند و با دهقانان - رعیتی های سابق خود - شرکت سهامی در متصرفه خود ایجاد کند. (بر حسب سهمی که در طرف از محصول می برده اند) (اداره هریک از این شرکتها بعهده ۳ نفر نمایندگان - دهقانان - ملاکین - دولت واگذار میگردد). سپس اعلام شد که قانون در چند مرحله اجرا خواهد گشت. مضمون مرحله اول عبارت بود از خرید زمینهای اضافی، ملاکین بزرگ از جانب دولت و فروش آنها بدهقانان و مضمون مرحله دوم که از اواخر سال ۱۳۴۳ آغاز گشت عبارت بود از لغو سیستم ارباب - رعیتی از طرق مذکور در فوق.

اینک مرحله اول و دوم تقریباً خاتمه یافته است و عوارض توسط سازمان اصلاحات ارضی کشور تطبیق اقدامات خود را مشتمل انتشار جزوه ای بنام اصلاحات ارضی در ایران، - دیماه ۱۳۴۵ - منتشر ساخته است که نگرارنده سهمی میکند خلاصه آرای نقل کرده و سپس نتیجه گیری نماید. ولی قبل از اینکار اجازه میخواید توضیحات مختصری در باره وضع کلی مسئله ارضی

تعداد دهات وضع جمعیت دهات بدهد تا درک از اقدام داده شده توسط دولت سهلتر گردد. طبق نوشته این جزوه مرحله دوم قانون در ۵۳۷۴۸ ده و ۱۷۹۶۲ مزرعه اجراء شده که در آنها بیش از ۳۰ میلیون خانوار روستائی زندگی میکنند. از این تعداد کل قبل از آغاز رفورمها ۲۳۱۷۳۰ خانوار را کشاورزان یا زراعتین و یا دهقانان بهره بردار با زمین تشکیل میدادند. اینها مجموعاً ۶۰ درصد (۱) ساکنین دهات را تشکیل میدهند و هم اینها هستند که طبق قانون اصلاحات ارضی شامل مواد این قانون میگردد. بقیه ۴۰ درصد روستائیان که ۱۵۰ درصد آنها بهره برداران بدون زمین (گااو و گوسفند داران) (بهره برداران دارای صنایع دستی و غیره) و ۲۴٫۵ درصد را روستائیان غیر بهره بردار (کارگران کشاورزی، مغازه داران، مأمورین دولتی و غیره) تشکیل میدهند. شامل مواد قانون اصلاحات ارضی نمیکردند و بنابر این ضمن توضیحات بعدی هرچنان نام دهقان مشمول اصلاح ارضی آورده میشود منظور همان ۶۰ درصد فوق میباشد.

اینک پس از انجام مراحل اول و دوم قانون اصلاحات ارضی در ۵۲۸۱۸ ده و ۱۷۱۶۴ مزرعه که ۹۸ درصد دهات و مزارع کشور میباشد و در آنها ۲۳۱۵۹۰۰ خانوار بایست از ۹۹ درصد کلیه دهقانان کشاورز یا بهره برداران با زمین زندگی میکنند خاتمه یافته است و بقول مأمورین اصلاحات ارضی، تکلیف قانونی شان روشن شده است. حال بهره برداریم باینکه این زمین تکلیف، چگونه انجام شده است.

۱- تغییرات در مالکیت شاه بر زمین - طبق آنچه ما در کتاب اخیر خود نوشته است او ۲۰۰ هزار هکتار از زمینهای خود را بین قریب ۲۵ هزار دهقان (اکثراً بطور مساوی) تقسیم و از آنها برای مدت ۲۵ سال اقساط معینی بابت قیمت زمین میگیرد و البته برای آنکه بتوانند بهره دهقانان از ۵ تا ۸ هکتار زمین بدهند مجبور گشته اند دهقانانی را که زمین بآنها نرسیده از دهات بیرون کنند.

۲- تغییرات در مالکیت خالصه - آنچه از زمین های دولتی بدهقانان فروخته شده بشرح زیر است: ۸۹۷ ده خالصه در خوزستان به ۴۸۷۷۶ خانوار دهقان، ۲۹۳ ده خالصه در سیستان ۷۵۰۲۲ هکتار به ۲۲۴۴۱ خانوار دهقان (۲) تصاد ۴۶۵۷۱ هکتار از زمینهای دشت مغان ۵۸۱۵ خانوار دهقان تقسیم شده است. ۱۱۶۵ هکتار از زمینهای خالصه فارس بین ۸۱ خانوار دهقان و ۷ ده زدهات خالصه کردستان بین ۲۸۰ خانوار دهقان تقسیم گشته. کلیه این زمینهای خالصه نیز باقسط ۲۵ ساله بدهقانان واگذار شده است.

بنابر این در نتیجه تقسیم و فروش زمینهای خالصه ۷۷۳۹۲ خانوار دهقان مالک زمین گشته اند. (اصلاحات ارضی در ایران صفحه ۲۴). ۳- در رشته مالکیت بر زمین های وقف چنین تغییراتی داده شده: طبق قانون رفورم ارضی که با قوانین شرع اسلام وفق داده شده فروش زمینهای وقف لغو است باینجهت تصمیم گرفته شده که ۱۱۰۸۵ رقیبه از زمینهای وقف عام را به ۱۲۴۰۶۵ خانوار دهقان به اجاره ۹۹ ساله واگذار کنند و ۱۰۰۵ رقیبه از زمینهای وقف خاص را به ۲۳۱۲۸ خانوار دهقان به اجاره ۳۰ ساله بدهند. ۴- در زمینه مالکیت اربابی - قریب ۱۲ هزار ده شش دانگ و غیر شش دانگ که ملاکین آنها آنان را بعنوان مالک اضافی خود بدولت واگذار کرده اند بین ۴۸۵۱۷۳ خانوار دهقان تقسیم و بآنها فروخته شده است. از دهات اضافی ۱۲۷۷ ده اربابی مکانیزه تشخیص داده شده ۱۲۶۵۰ ده باغ و ۶۱۰۹ ده مغروبه، تشخیص گشته است که طبق قانون همه آنها تحت اختیار ملاکین باقی خواهد ماند.

۲۰۲۳۵۹ مالک که صاحب دهات خود مانده اند طبق آمار در مناسبات سابق خود با دهقانان تجدید نظر کرده و زمینهای خود را اینک به اجاره مقطوع بدهقانان داده اند. شماره این نوع دهقانان در آمار ۱۰۷۶۷۷۰ خانواره ذکر شده است. در آمار رقم قابل توجهی بچشم میخورد و آن رقم ۱۴۱۸۷ خانواده دهقان است که طبق تمایل خود، گویا حق خود را به مالک

فروخته و از ده بیرون رفته اند.

۱۵۳۱۱۱ خانواده دهقان زارع سابق و ۳۳۳۷۴ مالک با یکدیگر، در دهات خود شرکت های سهامی تشکیل داده اند. طبق موافقت دوجانبه ۴۵۹۸۵ خانوار دهقان زمین را که سابقاً از ارباب باجاره گرفته و بر روی آن کشت میکردند یکجا از ارباب خریدند و تبدیل به مالک شخصی خود نمودند. ۱۵۳۱۱۶۴ خانوار دهقان نیز طبق قانون قسمتی از زمین اجاره سابق خود را بر حسب سهمی که از محصول میبرده اند از مالک بعنوان مالکیت گرفته و صاحب آن شده اند. گذشته از اینها از آمار فوق چنین برمیآید که تا شروع رفورمهای ارضی شاه در ایران فقط ۱۲۷۹۶۹ خانوار دهقان مالک زمین بوده اند و باین طریق همانطور که طبق حکامه ایران ادعا میکنند، تکلیف قانونی، ۲۳۱۵۵۰ خانوار دهقان بهره بردار با زمین در نتیجه رفورم ارضی بشکل زیر تعیین شده است.

الف - ۹۲۴۶۸۷ خانواد دهقان یا ۴۰ درصد کل مجموع دهقانان بهره بردار با زمین از طرق مختلف صاحب زمین شده اند که نسبت به جمعیت کل دهات ایران ۲۵ درصد را تشکیل میدهند. و از اینجا ادعا های سابق (قبل از رفورم) که گویا ۴۰ درصد دهقانان ایران زمین داشته اند بکلی بی معنا بوده است. شکل اساسی که برای این دسته از دهقانان اکنون موجود است پرداخت اقساط سالیانه آنها بدولت است که آنها خواهان لغو آن می باشند.

ب - ۱۳۷۷۰۵۹ خانوار یا ۵۹ درصد بهره برداران با زمین اینک تبدیل به اجاره کنندگان - مستاجرین زمینهای اربابی و وقف شده اند. از جانی باید در نظر گرفت که نتیجه بدست آمده که در دو بند بالا خلاصه شده است نسبت به وضعی که در قبل از رفورم موجود بود بسیار قابل توجه است که غیر از قریب ۲ میلیون خانوار که رهن گرفته اند قریب ۴٫۸ میلیون خانوار قانوناً از وضع ارباب رعیتی خلاص گشته اند. و به وضع اجاره دار موقوف در آمده اند که نسبت به سابق امکان فعالیت و استقلال بیشتری نسبت به دهقان مزارعه کار در عمل داشته و در آمد بیشتری خواهند داشت. از جانب دیگر نمی توان از وضع متضادی که اکنون در ایران در نتیجه این رفورم پیش آمده است چشم پوشی کرد.

اینک اکثراً در دهات ایران چنین منظره ای بچشم میخورد که دو دهقان همسایه که چند سال قبل هر دو در یک وضع قرار داشته یعنی هر دو مستاجر رعیت ارباب بوده اند حالا یکی از آنها بر حسب تصادف مالک زمین خود شده ولی دیگری بهمین شکل و باینه شکل جدید و بهر صورت مستاجر باقی مانده است. و این مسئله بهیچوجه نه عادلانه است و نه قابل فهم برای قریب یک میلیون و نیم خانوار دهقان و بهین جهت است که این توده عظیم دهقانان از مدتها پیش صدای خود را برای تغییر وضع خود و تصاحب زمینهای اربابی بلند کرده اند. این شعار عملی است و کلیه مردم و سازمانهای مترقی ایران طرفدار اجرای آن هستند. پیرویه نیست که در این اواخر از جوانب مختلف این صدا بگوش میرسد که گویا مستعجابان رفورم ارضی خود در فکر چاره ای برای رفع این مشکل هستند.

ج- سومین راه برای حل تکلیف قانونی، دهقانان از طرف طبقه حاکمه، چنانچه آمار نشان داد همانطور است که تاکنون ۱۴۱۸۷ خانوار دهقان بدان عمل کرده اند یعنی حقوق خود را فروخته اند، و از ده بیرون رفته اند. این حادثه بسیار غم انگیزی است. و متأسفانه با ادامه وضع فعلی، حادثه ایست در حال رشد و نتیجه غیر قابل برگشت پیشرفت رفورم ارضی فعلی در راه سرمایه داری است. این حوادث بخوبی خودنماینده علامت اولین نتایج این نوع پیشرفت برای توده فقیر دهقانان است. بدون تردید اقدامات دولت در مورد تشویق بی بند و بار اشکال زراعت مکانیزه و تولید سرمایه داری و سایر اقدامات نظیر بسیاری از دهقانان را خواه ناخواه از وسائل تولید بازاده مینماید. این واقعت نشانه از زیاد بیشتر یکبارگی در کشور است. نیروهای مترقی بایستی گوشش نمایند تا دولت را در کار تسریع صنعتی کردن کشور مجبور ساخته و باین طریق راه حلی برای جلوگیری از توسعه یکبارگی بیابند.

ولی در باره آنچه مربوط به نتایج رفورم ارضی در مورد تغییرات در طبقه مالک است باید گفت که بر اساس آمار فوق ۲۰۲۳۵۹ مالک زمینهای خود را به اجاره مقطوع داده اند. ۳۳۳۷۴ مالک شرکت سهامی تشکیل داده اند. ۱۷۰۳۸ مالک زمین های خود را از اختیار اجاره داران در آورده و بلا اشترک صاحب زمین های خود گشته اند و در آئینه زمین های خود رابه کشت مکانیزه تخصص خواهند داد. ۱۳۹۲ شخصیت حقوقی (مالکین زمین های وقف عام و ۱۹۷۷ شخصیت حقوقی مالکین زمین های وقف خاص باقی مانده اند) و باین طریق دیده میشود که در نتیجه رفورم ارضی بجای طبقه سابق ملاکین که از انواع ملاکین بزرگ و کوچک تشکیل شده بود، اکنون طبقه پر قدرتی بنام طبقه ملاکین متوسط ایران که تعداد آنها به ۲۷۰ هزار نفر رسیده) دو سوم زمینهای زیر کشت ایران را در دست داشته و ۶۰ درصد دهقانان بهره بردار با زمین را استثمار می نمایند تشکیل گشته است. این طبقه ملاکین متوسط با کشیده شدن بدایره تولید سرمایه داری نیروی از جهت شکل جدیدی را در جامعه ایران تشکیل خواهند داد و موضع گیری سیاسی و اجتماعی آنها با ملاکان بزرگ تفاوتی خواهد داشت. البته با وضع سیاست دولتی فعلی که در بالا ذکر شد بزودی چه در بین دهقانان صاحب زمین و چه در بین طبقه ملاکین، قشر بنی شروع شده و قشر ترقی مند تر از این دو دسته جدا خواهد شد بهمان شکل که قشر فقیر آن از چهره گامین دو طبقه بطوریکه بیرون خواهد رفت. هم اکنون نمونه های برجسته ای در بین دهقانان صاحب زمین در ملحوظات کشور می توان یافت. صرفاً نظر از همین مطالب، قانون رفورم ارضی اهمیت مهمی برای تغییر وضع اقتصادی ایران داشته و بطور فعلی شرایط مناسبی برای رشد نسبی سرویس بازار داخلی و کشاورزی ایران بر اساس طریقه تولید سرمایه داری فراهم خواهد کرد. بدون تردید در آینده نزدیک این تغییرات وارده در رشته استفاده از زمین شامل جمعیت غیر زراع دهات ایران نیز خواهد شد. این تغییرات درجه فعالیت آنها را بالا خواهد برد و آنان را به کار کشاورزی بر اساس کار مزدوری در چهار چوب مناسبات سرمایه داری خواهد کشاند و باعث رشد طبقه کارگر کشاورزی مدرن در دهات ایران خواهد شد.

- (۱) - نقل از کتاب آمارگیری - کشاورزی کل کشور. سال ۱۳۳۹ جلد ۱۵ جدول ۱ و ۲
- (۲) - طبق مندرجات کتاب اصلاحات ارضی دیماه ۱۳۴۵ - ۱۶ هزار نفر از دهقانان فوق ۱۴۹۹۴ هکتار زمین را بطور مجانی از دولت گرفته اند. ش. ب. تبریزی

### بازی از صفحه ۸

دو سمینار علمی بمناسبت پنجاهمین سال...

سمینار های علمی حزب ما اکنون به روشن کردن یک بخش مهم تاریخ معاصر کشور کمک مؤثر کرده است. این سمینارها بر اساس اسناد و واقعات متعدد بدیع و غیر قابل انکار ثابت کرده اند که بدون انقلاب اکثریت و بدون همسایگی با اتحاد شوروی استقلال کشور ما بر باد بود و ایران نمیتوانست موقعیت و موفقیت های امروزی خویش را در رشته های گوناگون زندگی اجتماعی، اقتصادی و معنوی بدست آورد. این سمینار های علمی نشان دادند که دوستی و همکاری با اتحاد شوروی منبع قدرت و پیشرفت مینماید. در این سمینارها وقایع شگرف سالهای پس از انقلاب در کشور ما از نظر گذشت و تکان نیرومندی که انقلاب و سیاست لنینی دولت نو بنیاد شوروی در عقول و قلوب مردم ایران ایجاد کرد بشکلی رسا و مقنع نشان داده شده است. سمینارها تحت نظر شعبه مرکزی تبلیغات و فعالیت ایدئولوژیک حزب جریان یافت. سمینارها رشد کادر های علمی حزب و قدرت تحلیل مستقلانه آنها را در مسائل فرنج تاریخی و اجتماعی مبرهن ساخت.

# در باره احزاب سلطنتی

حزب درباری «ایران نوین» مولود سه سال و نیمه «انقلاب شاه و مردم» از تاریخ ۲۴ تا ۲۶ اردیبهشت نخستین «کنگره» خود را در تهران تشکیل داد. در برگزاری این کنگره برخی ظواهر کنگره های اصیل حزبی و از جمله دعوت میهمانان خارجی تقلید شده بود. گردانندگان کنگره برای بالا بردن قدر آن، حتی بدروغ مدعی شدند که گویا از حزب کمونیست اتحاد شوروی نیز میهمانانی در این کنگره شرکت داشته اند. کوشش «ایران نوینی ها» برای جازدن کنگره حزب خود بعنوان کنگره یک حزب جدی سیاسی قرین موفقیت نشد باین دلیل ساده که این حزب با وجود استفاده از تمام وسایل آرایش و پیرایش از اعتماد مردم که شرط اولیه و حتمی وجود حزب است برخوردار نبود.

مقارن با تشکیل کنگره حزب «ایران نوین» حزب درباری «مردم» نیز برای آنکه در عرصه خود نمائی از حریف عقب نمانده باشد، مجمعی بنام «سینار بررسی امور روستائی» گرد هم آورد که آغاز و ختام آن تملق گوئی بنده وار از شاه بود تشکیل کنگره و سینار این دو حزب سلطنتی را باید در چارچوب تقلید مکارانه از ظواهر دموکراسی فریب مردم و صحنه سازی در آستانه انتخابات ارزیابی نمود. تشکیل این کنگره و سینار و فعالیت این دو حزب در آستانه انتخابات بما فرصت میدهد تا بار دیگر پیشینه حزب سازی هیئت حاکمه و انگیزه ایجاد اینگونه احزاب را مورد بررسی قرار دهیم.

پیشینه حزب سازی  
دستگاه دولتی  
استقبال پر شور طبقات  
زحمتکشی که حزب توده

ایران حامل صدیق ایده آل های انسانی آن است، موجب شد که حزب ما در فاصله ای کوتاه پس از پایان جنگ دوم جهانی نفوذ بی سابقه خود را در سراسر کشور گسترش دهد. امپریالیسم و جناح های مختلف هیئت حاکمه برای مقابله با حزب ما و انحراف توجه عمومی، ب فکر ایجاد احزاب ساختگی با استفاده از پول و قدرت دولتی افتادند. حزب اراده ملی سید ضیاء الدین طباطبائی، حزب عدالت علی دشتی، حزب دموکرات قوام السلطنه و حزب سوسیالیست سردار فاخر حکمت، عموماً مظاهر حزب سازی در دورانی است که حزب ما با تشکل و تجهیز توده های زحمتکش در صفوف خود مبارزه وسیعی را علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی رهبری مینمود.

اما این احزاب بی ریشه که حمایت مردم را با خود نداشتند عمرشان چون عمر حکومت مؤسسن شان کوتاه و کم دوام بود و افول قدرت رجال مؤسس، بیپوسته افول حزب را نیز بدنبال داشت. این احزاب حتی در اوج قدرت خود جز مشتی استفاده جو و سیاست باز و اقلیتی که در نتیجه تهدید و تطمیع «ایمان آورده بودند»، با خود نداشتند.

انگیزه تشکیل  
احزاب سلطنتی  
کودتای ۲۸ مرداد  
به فعالیت علی و نیمه  
علنی حزب ما و سایر سازمانها و گروههای ملی

# دو سمینار علمی

بمناسبت پنجاهمین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر  
از طرف حزب توده ایران برگزار شد.

- ۱ - «انقلاب بزرگ سوسیالیستی اکبر و دموکراتیزم انقلابی در ایران»
- ۲ - «انقلاب اکبر و اشاعه اندیشه های مارکسیستی - لنینیستی در ایران»
- ۳ - «انقلاب بزرگ سوسیالیستی اکبر و جنبش کارگری و کمونیستی در ایران»
- ۴ - «انقلاب بزرگ سوسیالیستی اکبر و تکامل مطبوعات دمکراتیک و مارکسیستی در ایران»
- ۵ - «انقلاب بزرگ سوسیالیستی اکبر و جنبش آزادی زنان»
- ۶ - «انقلاب اکبر و جنبش گیلان (۱۹۱۷ - ۱۹۲۱)»
- ۷ - «انقلاب بزرگ سوسیالیستی اکبر و جنبش خیابانی در آذربایجان»
- ۸ - «انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر و جنبش خراسان برهبری کتل پسان»
- ۹ - «جنبش دموکراتیک آذربایجان (۱۹۴۵ - ۱۹۴۶)»
- ۱۰ - «تأثیر انقلاب اکبر در جنبش رهنائی بخش خلق کرد»
- ۱۱ - «همکاری اقتصادی و فنی ایران و شوروی»
- ۱۲ - «تأثیر انقلاب اکبر در تکامل ادبیات آذربایجان»

در سینار علمی دوم سخنرانان اصلی  
سینار در اطراف هشت موضوع زیرین  
سخنرانی کردند:

- ۱ - «توسعه و تحکیم مناسبات ایران و شوروی ضامن استقلال اقتصادی و سیاسی ایران»
- ۲ - «پنج سال همزیستی ایران و شوروی»
- ۳ - «تأثیر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر در رهنائی ایران از قیود اقتصادی و اجتماعی»
- ۴ - «انقلاب کبیر اکبر و نهضت انقلاب کارگری ایران بین دو جنگ جهانی»

- ۵ - «اندیشه اکبر و جنبش انقلابی در کشور ما»
- ۶ - «تأثیر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر در نهضت جنگل و انقلاب کبیر»
- ۷ - «انقلاب اکبر و جنبش ضد قمر سرد انگلیس و ایران (۱۹۱۹)»
- ۸ - «تأثیر انقلاب اکبر در ادبیات ایران»

علاوه بر سخنرانان اصلی سینار عده ای سخن یار (که در تکمیل گزارش دهند گان اصلی سخن گفته اند) درباره یک سلسله مسائل جالب دیگر که به تأثیر انقلاب اکبر در جامعه ما مربوط است در هر دو سینار سخنرانی کردند. دهر دو سینار جمعی میهمانان خارجی و ایران شناسان بنام حضور داشتند. سینار علمی سوم قرار است در آستانه انقلاب اکبر برگزار شود.

شرح مفصل سینار های علمی اول و دوم حزب ما که تحت عنوان «انقلاب اکبر و ایران» برگزار شده در شماره دوم سال هشتم مجله دنیا درج خواهد شد. در شماره سوم سال هشتم مجله دنیا شرح سینار سوم درج میشود. متن کلیه سخنرانیهای سینار در کتاب جدا گانه ای بنام «انقلاب اکبر و ایران» چاپ خواهد شد.

بنابر تصمیم بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت فرا رسیدن پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر یک سلسله ابتکارات و اقدامات گوناگون از طرف سازمان حزبی ما در کشور و خارج از کشور انجام میگردد. یکی از این اقدامات عبارت است از تشکیل سه سمینار علمی تحت عنوان «انقلاب اکبر و ایران» در نقاط خارج از کشور. تا کنون دو سمینار علمی برگزار شده است: در سینار علمی اول سخنرانان اصلی سینار در ۱۲ موضوع مختلف سخنرانی کردند. عناوین سخنرانیهای سینار اول بقرار زیرین است:

صحنه ای  
از تظاهرات  
دانشجویان  
ایرانی مقیم  
آلمان غربی  
علیه شاه -  
ماموران  
سازمان  
امنیت ایران و  
آلمان غربی به  
دانشجویان  
حمله برده اند.



راه آزادیهای دموکراتیک با مبارزه علیه پیمانها و پایگاههای نظامی در خاور میانه و نزدیک را خاطر نشان ساخت. سینار دریایان کار خود اعلامیه ای منتشر کرد که ضمن آن گفته شده است: «طرح پیمان اسلامی که حکمرانان اردن و عربستان سعودی و ایران که در قبال امپریالیستها از خود زبونی نشان میدهند مبتکر آند با مخالفت شدید ملل عرب روبرو شده است.»

در اعلامیه از جوانان جهان دعوت شده است از مبارزه حق طلبانه مردم خاور میانه علیه دخالت امپریالیستها در امور داخلی آنها و علیه قراردادهای پایگاههای نظامی امپریالیستی پشتیبانی کنند.

## هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیک ایران ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

**P. B. 4176**  
**Stockholm 4**  
**Sweden**

## سمینار جوانان در قاهره

سینار مبارزه جوانان علیه پیمانها و پایگاههای نظامی در خاور میانه و نزدیک از تاریخ ۲۲ تا ۲۵ اردیبهشت سال جاری در قاهره تشکیل شد. این سینار با همکاری فدراسیون جهانی جوانان دموکرات و سازمان جوانان سوسیالیست جمهوری متحده عرب تشکیل شد و نمایندگان سازمانهای جوانان کشورهای مختلف از اروپا، امریکا، افریقا و آسیا در آن شرکت جستند. نماینده سازمان جوانان توده ایران که در این سینار شرکت کرده بود در سخنرانی خود از پیمان اسلامی و شکست این نقشه امپریالیستی و لزوم ادامه مبارزه علیه آن و همچنین درباره سیاست بدخواهانه دولت ایران در قبال کشورهای مستقل عربی و هماهنگی آن با سیاست های امپریالیستی در این منطقه صحبت کرد. او ضمن تشریح ماهیت پیمان ستو و قرارداد نظامی دو جانبه با امریکا و ثنرات منفی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی آنها، خواست تمام مردم ایران از آنجمله جوانان ایران را در باره لغاء این قراردادها یاد آور شد و ضرورت در آمیختن مبارزه علیه استبداد و در